



سلسلہ مباحث مہدویت

ہنگامہ ظہور

علی اصغر رضوانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رضوانی، علی اصغر
هنگامه ظهور و اصحاب امام مهدی عج / تألیف علی اصغر رضوانی. - قم مسجد مقدّس
صاحب الزمان (جمکران)، ۱۳۸۵.

ISBN 964 - 97 - 000 - 6

۷۲ ص.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. فتن و ملاحم. ۲. مهدویت - انتظار. ۳. محمّد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -

الف، مسجد جمکران. ب. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

BP ۲۲۴۵ / / ۶۵۹

۸۵ - ۱۵۰۲۷

کتابخانه ملی ایران



-
- | | | |
|--------------------------|------------|---------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> | نام کتاب: | هنگامه ظهور |
| <input type="checkbox"/> | مؤلف: | علی اصغر رضوانی |
| <input type="checkbox"/> | ویرایش: | واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| <input type="checkbox"/> | صفحه آرا: | امیر سعید سعیدی |
| <input type="checkbox"/> | ناشر: | انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| <input type="checkbox"/> | تاریخ نشر: | بهار ۱۳۸۵ |
| <input type="checkbox"/> | نوبت چاپ: | اول |
| <input type="checkbox"/> | چاپ: | سرور |
| <input type="checkbox"/> | تیراژ: | ۵۰۰۰ جلد |
| <input type="checkbox"/> | قیمت: | ۳۵۰ تومان |
| <input type="checkbox"/> | شابک: | ۹۶۴ - ۹۷۳ - ۰۰۰ - ۶ |

-
- | | | |
|--------------------------|-------------------------------------------------|----------------------------|
| <input type="checkbox"/> | مرکز پخش: | انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| <input type="checkbox"/> | فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران | |
| <input type="checkbox"/> | تلفن و نمابر: | ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ |
| <input type="checkbox"/> | قم - صندوق پستی: | ۶۱۷ |

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

هنگامهٔ ظهور

تألیف: علی اصغر رضوانی

فهرست مطالب

۹ مقدمه ناشر
۱۱ چگونگی اطلاع حضرت ﷺ از وقت ظهور
۱۳ حکمت معین نبودن وقت ظهور
۱۴ تعیین وقت ظهور
۱۶ ظهور اصغر
۱۶ عوامل زمینه‌سازی حکومت جهانی
۱۷ ظرفیت کلی برای ظهور
۱۸ سن حضرت ﷺ هنگام ظهور
۱۹ خصوصیات جسمی امام زمان ﷺ هنگام ظهور
۲۰ عنایت الهی در جهت پیروزی
۲۰ ۱ - عنصر ناگهانی و غفلت دشمنان
۲۱ ۲ - ایجاد رعب و وحشت
۲۱ ۳ - جذب تمام مسلمین
۲۲ ۴ - تأیید از جانب ملائکه
۲۳ مکان ظهور
۲۳ اولین عمل هنگام ظهور

- ۲۴ اولین بیعت کنند.
- ۲۶ مقصود از اصلاح امر حضرت مهدی علیه السلام در یک شب.
- ۲۷ غلبه بر جهان با یاران اندک.
- ۲۸ محدوده اعجاز هنگام ظهور.
- ۳۰ قیام با شمشیر!!
- ۳۳ بررسی کشتارها هنگام ظهور.
- ۳۴ حجم کشتارها.
- ۳۵ وقت کشتارها.
- ۳۹ چرا استفاده از زور؟!.
- ۴۱ شیوه و رفتار امام زمان علیه السلام با ظالمان.
- ۴۱ کشتار مسلمین!!
- ۴۳ جنگ با اعراب!!
- ۴۴ شدت برخورد با اعراب!!
- ۴۵ شروع از منحرفان مذهب.
- ۴۶ وظایف حضرت عیسی علیه السلام بعد از نزول از آسمان.
- ۴۷ شریعت عیسی علیه السلام بعد از نزول.
- ۴۷ منجی و رهبر در حکومت عدل توحیدی.
- ۴۸ ادله احتمال اول.
- ۴۹ دلیل احتمال دوم.
- ۴۹ ادله احتمال سوم.
- ۵۰ زندگی حضرت عیسی علیه السلام بعد از نزول.

اصحاب امام مهدی علیه السلام

- ۵۳ عدد اصحاب خاص امام زمان علیه السلام
- ۵۴ اصحاب دیگر امام زمان علیه السلام
- ۵۵ چگونگی ورود اصحاب به مکه
- ۵۶ قومیت اصحاب امام زمان علیه السلام
- ۵۷ عرب در میان اصحاب حضرت علیه السلام
- ۵۸ وجود زن در میان اصحاب حضرت علیه السلام
- ۵۸ زن از خواص یاران حضرت علیه السلام
- ۵۹ چگونه از یاران حضرت باشیم
- ۶۰ کیفیت بیعت با حضرت علیه السلام
- ۶۱ افراد بیعت کننده
- ۶۱ اصولی که بر آن پیمان می‌بندد
- ۶۲ شجاعت اصحاب حضرت علیه السلام
- ۶۳ اصحاب حضرت از همه جا
- ۶۳ ویژگی‌های اصحاب حضرت مهدی علیه السلام
- ۶۴ تسخیر جهان با افرادی اندک
- ۶۵ وزیران دولت حضرت مهدی علیه السلام
- ۶۶ یارانی از مشرق زمین
- ۶۷ کارگزاران دولت حضرت مهدی علیه السلام
- ۶۸ عدم تحقق شرایط ظهور

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می‌کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می‌دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده‌اند و با پوچ‌گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده‌اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حقّ جلّ و اعلا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات
مسجد مقدّس جمکران
حسین احمدی

چگونگی اطلاع حضرت علیه السلام از وقت ظهور

این موضوع را اگر برای فردی غیر شیعی بخواهیم ثابت کنیم می‌گوییم:
الف. این که این موضوع را باید همانند سایر مسائل اجتماعی بررسی کرد،
به این معنا که هر گاه مصلحت اسلام و بشریت اقتضای ظهور حضرت را
داشته باشد، به طور حتم امام زمان علیه السلام ظهور خواهد کرد.

ب. این که امام علیه السلام از آنجا که از جانب خداوند متعال مورد تأیید است دستور
ظهورش را مستقیماً از جانب او خواهد گرفت.

و در صورتی که بخواهیم برای فردی شیعی اثبات کنیم می‌گوییم:

۱ - این که آن حضرت به زمان ظهور خود به جهت روایاتی که از آباء و اجدادش
رسیده آگاهی دارد. این احتمال در ادله نقلی به آن اشاره نشده است.

۲ - این که امام علیه السلام به طور اعجاز از زمان ظهورش آگاهی دارد به این نحو
که خداوند هنگام رسیدن وقت ظهورش معجزه‌ای ایجاد خواهد کرد و با آن،
حضرت به وظیفه‌اش که همان ظهور است التفات پیدا می‌کند. در روایات
اشاره به این احتمال شده است:

راوندی مرسلاً از امام کاظم علیه السلام در حدیثی راجع به حضرت مهدی علیه السلام نقل
کرده که فرمود: «... إذا حان وقت خروجه انتثر ذلك العلم من نفسه، وأنطقه

الله عزوجل فناداه: أخرج يا ولي الله! فاقتل أعداء الله، وله سيف مغمّد إذا حان وقت خروجه اقتلع ذلك السيف من غمده وأنطقه الله عزوجل فناداه السيف: أخرج يا ولي الله! فلا يحلّ لك أن تقعد عن أعداء الله...؛^۱ «هرگاه وقت خروج حضرت رسید علم به خروج در نفس او منتشر خواهد شد. آن علم او را ندا داده که ای ولی خدا! خروج کن و دشمنان خدا را به قتل برسان. و برای او شمشیری است، هنگامی که وقت خروج او فرا رسد از غلافش بیرون می‌آید و حضرت را ندا داده، می‌گوید: ای ولی خدا! خروج کن، که برای تو حلال نیست که از دشمنان خدا صرف نظر کنی.»

صدوق نیز از مفضل بن عمر نقل کرده که از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر جابر سؤال کردم؟ حضرت فرمود: «... إن منّا إماماً مستتراً، فإذا أراد الله عزوجل إظهار أمدته نكت في قلبه نكتة وأمر بأمر الله عزوجل»؛^۲ «همانا از ما امامی است پنهان، هرگاه خداوند اراده کند تا او را از پرده غیبت به در آورد، در قلب او علامتی می‌نهد، آن گاه به امر خدا سفارش خواهد کرد.»

در حدیثی از امام زمان علیه السلام رسیده که فرمود: «علمنا على ثلاثة أوجه: ماضٍ وغابر وحادث، أمّا الماضي فتفسير، وأمّا الغابر فموقوف، وأمّا الحادث فقذف في القلوب ونقر في الأسماع وهو أفضل علمنا...»؛^۳ «علم ما اهل بیت بر سه نوع است: علم به گذشته و آینده و حادث. علم گذشته، تفسیر

۱. خرائج و جرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۷، ح ۶۴؛ کمال الدین، ص ۱۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱، ح ۴.

۲. کمال الدین، ص ۳۴۹، ح ۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۷، ح ۴۹؛ کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۰.

۳. دلائل الامامة، ص ۵۲۴، ح ۴۹۵.

است. علم آینده، موقوف است. و علم حادث، انداختن در قلوب و زمزمه در گوش هاست. این بخش بهترین علم ماست ...».

۳ - این که حضرت مهدی علیه السلام با آن ذکاوت و خُبْرَوِیَّتِی که دارد وقت ظهور را دریابد.

احتمال دوم مطابق روایات و عقل است.

حکمت معین نبودن وقت ظهور

گاهی این سؤال در ذهن انسان خطور می‌کند که چرا وقت ظهور در منابع اسلامی معین نشده است؟ در جواب این سؤال می‌گوییم:

۱ - کسی که منتظر شخص دوست‌داشتنی است و وقت آمدن او را نمی‌داند همیشه در حال انتظار است، همیشه آماده است، همیشه در صدد پیاده کردن دستورات او در خود و اجتماع است. ولی در صورتی که زمان رسیدن او را بداند خصوصاً آن که بداند که بسیار دور است، مأیوس شده و هرگز خود را به این زودی آماده نمی‌کند.

۲ - معین نبودن وقت ظهور، یک نوع امتحانی است برای مردم تا معلوم گردد آیا مردم با این همه سختی‌های مختلف، روحیه خود را از دست می‌دهند یا خیر؟

۳ - گاه مصلحت در تقدیم و تأخیر زمان غیبت است که این معنا با معین بودن زمان ظهور سازگاری ندارد. و لذا در قصه حضرت موسی علیه السلام به جهت ادامه ملاقات او با خداوند از سی روز تا چهل روز، عده‌ای به انحراف کشیده شدند.

۴ - در صورت معین بودن ظهور، دشمنان حضرت علیه السلام در صدد تدارک برآمده و با حضرت در همان زمان به مقابله برخوانند خواست. لذا در روایات

اسلامی از عنصر «ناگهانی بودن ظهور» به عنوان عنصر اساسی در پیروزی حضرت یاد شده است.

امام صادق علیه السلام به ابن النعمان فرمود: «ای پسر نعمان! به راستی عالم نمی‌تواند به هر چه اطلاع دارد تو را آگاه سازد... پس عجله نکنید، به خدا سوگند! سه بار این امر - امر فرج - نزدیک شد ولی به جهت آن که شما آن را فاش کردید خداوند آن را به تأخیر انداخت. به خدا سوگند! نزد شما سزای نیست مگر آن که دشمنان شما به آن از شما آگاه‌ترند».

۵- در صورت عدم تعیین وقت ظهور، حالت انقطاع و توجه و تضرع خاصی بر انسان‌ها حاکم خواهد شد، که چه بسا این امر سبب تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام گردد. ولی اگر وقت ظهور به طور قطع مشخص باشد دیگر از این اثر معنوی خبری نیست.

۶- از آنجا که وقت ظهور همانند علایم ظهور، متعلق «بدا» واقع می‌شود، لذا نباید به طور دقیق وقت ظهور مشخص باشد تا مردم به کارهایی تشویق شوند که مؤثر در ظهور امام زمان علیه السلام است.

۷- از آنجا که ممکن است ظهور حضرت به طول انجامد، لذا وقت آن معین نشده است تا مردم مأیوس نباشند و با احتمال ظهور حضرت در هر لحظه حالت انتظار مثبت را از دست ندهند.

تعیین وقت ظهور

تعیین تاریخ ظهور امام زمان علیه السلام به چند نحو متصور است:

۱- این که تاریخ و وقت ظهور حضرت را به طور دقیق و تفصیلی معین

کنیم که در فلان سال، و فلان ماه و فلان روز خواهد بود. این احتمال باطل است، زیرا در هیچ روایتی به آن اشاره نشده است و مضافاً به این که در برخی از احادیث تعیین کننده وقت ظهور مورد لعن قرار گرفته است.

۲ - این که موعد ظهور به نحو اجمال تعیین گردد، به این که بگوییم: هر گاه خداوند اراده کند آن حضرت ظهور خواهد کرد. این احتمال به طور حتم اشکالی نداشته و صحیح است.

۳ - این که از طریق قواعد حساب و جفر، به طور اجمال یا تفصیل به زمان ظهور حضرت علم پیدا کرده و از آن خبر دهیم. این احتمال گر چه در برخی روایات به آن اشاره شده^۱ ولی از سند معتبری برخوردار نیست. خصوصاً آن که تاریخ ظهور، ممکن است مورد بدا واقع شود.

۴ - این که مطابق برخی از روایات به طور کلی و اجمال به زمان ظهور آن حضرت اشاره گردد:

طبرسی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که: «لا یخرج القائم إلا فی وتر من السنین، سنة إحدى أو ثلاث أو خمس أو سبع أو تسع»؛^۲ «قائم در سال وتر [فرد] ظهور خواهد کرد، سال یک یا سه یا پنج یا هفت یا نه.»

و نیز به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «ینادی باسم القائم فی لیلة ثلاث وعشرین من شهر رمضان ویقوم فی عاشوراء، وهو الذی قتل

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۰۶، ح ۱۳.

۲. اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، ح ۳۶.

فیه الحسین بن علی علیه السلام...»؛^۱ «به اسم قائم در شب بیست و سوم ماه رمضان ندا داده خواهد شد و در روز عاشورا قیام خواهد کرد، و آن روزی است که حسین بن علی در آن روز به شهادت رسید.»

ظهور اصغر

همان گونه که برای تثبیت و جا افتادن غیبت کبرا، خداوند متعال برای امام زمان علیه السلام غیبت صغرا را مقدر کرد تا زمینه برای غیبت کبرا فراهم گردد، در مورد ظهور حضرت نیز گفته شده که قبل از ظهور اکبر، خداوند برای ایجاد آمادگی برای آن، ظهور اصغری را پیش بینی کرده است.

به این معنا که خداوند مدتی قبل از ظهور اکبر، سطح علمی مردم را در طبقات مختلف جامعه بالا می برد تا برای درک عصر حضرت مهدی علیه السلام قابلیت لازم را پیدا نمایند. این آمادگی از دو طریق حاصل می شود:

۱- بالا بردن شعورو آگاهی مردم نسبت به احتیاج داشتن حکومت جهانی توحیدی.

۲- بالا بردن سطح علمی مردم برای پذیرش چنین حکومتی.

عوامل زمینه سازی حکومت جهانی

ممکن است گفته شود با توجه به تشنّت آرا و اختلاف مذاهب و تنوع حکومت ها و ناسازگاری آنها نسبت به یکدیگر، تشکیل حکومت واحد جهانی

ممکن به نظر نمی‌رسد؛ چگونه می‌توان همهٔ ملیت‌ها را تحت حکومت واحدی جمع کرد.

پاسخ:

نه تنها تشکیل حکومت واحد جهانی ممکن و میسر است، بلکه امری حتمی و لازم به نظر می‌رسد و علل و عوامل زیادی در زمینه سازی آن دخیل می‌باشند:

۱ - خطر جنگ و خونریزی که همواره مانند کابوس وحشتناکی بر سر جوامع انسانی سایه افکنده، تنها با وحدت حکومت در سطح جهان و یکپارچگی همهٔ امت‌ها برطرف می‌شود.

۲ - به تصریح دانشمندان «تضاد منافع» ریشهٔ اصلی و اولی برخوردهای خونین و پیکارهای سهمگین حکومت‌ها با یکدیگر است. حال اگر بدانیم که شعار حکومت حضرت، عدل و انصاف برای کل جامعهٔ بشری است، همگی به سوی حکومت عدل جهانی سوق داده می‌شوند.

۳ - یکی دیگر از عوامل تشکیل حکومت جهانی، تکامل عقول و ادراکات بشر است که به نوبهٔ خود می‌تواند زمینه‌ساز حکومت جهانی گردد؛ زیرا بشر هم از ناحیهٔ خود در راه حرکت به سوی کمال و ترقی و تکامل عقلانی است و هم در هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام به کمال نهایی خود نایل می‌گردد، و لذا می‌توانند با یکدیگر تآلف کرده و به حکومت جهانی تن دهند، زیرا همهٔ تعارض و تراحم‌ها از ناحیهٔ کم عقلی و جهل و کم‌خردی است.

ظرفیت کلی برای ظهور

شکی نیست که هر کار اجتماعی احتیاج به آماده کردن ظرفیت‌های

مناسب دارد. در مورد ظهور منجی کل بشری که پدیده اجتماعی عظیمی است
احتیاج به تحقق مقدمات و شرایط خاصی است؛

۱ - پیشرفت دینی در میان امت اسلامی و لو در طبقه خاصی از آنها.

۲ - گسترش انحراف عمومی در بین مردم.

۳ - گسترش ظلم و فساد در سطح عموم و در نتیجه دور شدن مردم از دین
و متابعت از هوای نفس.

۴ - پیشرفت بشر در صنعت و تکنولوژی.

۵ - آماده شدن یاران خاص حضرت برای نصرت و یاری او.

سنّ حضرت ﷺ هنگام ظهور

مطابق روایات شیعه و سنی، امام زمان علیه السلام در حالی که ظاهر او جوان و به
سنّ چهل سالگی است ظهور خواهند کرد. اینک به برخی از روایات اشاره می‌کنیم:

۱ - ابن صباغ مالکی به سندش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که در حدیثی

فرمود: «مهدی از اولاد من با سن چهل سال است...»^۱

۲ - شیخ صدوق رحمته الله به سندش از اباصلت هروی نقل می‌کند که گفت: به

امام رضا علیه السلام عرض کردم: قائم شما هنگام خروج چه علامتی دارد؟ حضرت

فرمود: «علامت او این است که او از حیث سنّ پیر است ولی در ظاهر جوان

نشان داده می‌شود، به حدی که هر گاه کسی به او نظر می‌افکند گمان می‌کند

که او سی ساله یا کمتر است. و از جمله علامات او آن است که به مرور ایام

و شب‌ها پیر نمی‌شود تا آن که مرگ او فرا رسد»^۲.

۲. کمال الدین، ص ۶۵۲، ح ۱۲.

۱. الفصول المهمة، ص ۲۱۷.

نعمانی به سندش از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «اگر قائم قیام کند مردم او را انکار خواهند کرد؛ زیرا در حالی که جوان رشیدی است به سوی آنها باز می‌گردد...»^۱

ممکن است روایاتی که اشاره به سن چهل سالگی دارد مقصود آن باشد که جسد و جسم او در حد کمال است؛ زیرا بدن تا چهل سالگی به کمال رشد خود می‌رسد. گر چه برخی روایات نیز به سن ۱۸ سالگی و ۵۱ سالگی اشاره کرده است ولی روایت اول از محمد بن حمیر نقل شده نه از یکی از معصومین علیهم السلام.

و روایت دوم گر چه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده ولی از صحت سند برخوردار نیست، خصوصاً آن که هر دو روایت با روایات مستفیضی که دلالت بر ظاهر چهل سالگی دارد مخالف است.

خصوصیات جسمی امام زمان علیه السلام هنگام ظهور

مطابق برخی از روایات سنی و شیعی، امام زمان علیه السلام هنگام ظهور دارای صفات و خصوصیات جسمی خاص است از قبیل:

- ۱ - أجلی الجبهة: یعنی پیشانی وسیع و عریض.^۲
- ۲ - اقنى الأنف: وسط بینی او برآمده ولی دو سوراخ آن تنگ است.^۳
- ۳ - كأن وجهه كوكب درّی: گویا صورت او همانند ستاره‌ای درخشان است.^۴

۲. سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۴۲۲.

۴. الفصول المهمة، ص ۳۱۷.

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۱۸۸.

۳. همان.

- ۴ - اللون لون عربي: با چهره‌های گندم گون.^۱
- ۵ - افرق الثنایا: ما بین دندان‌های او باز است.^۲
- ۶ - اکحل العینین: مژه‌های او سیاه است.^۳
- ۷ - براق الثنایا: با دندان‌های سفید.^۴
- ۸ - أزج الحاجبین: با ابروانی کشیده و باریک.^۵
- ۹ - مربع القامة: قامتش متوسط.^۶
- ۱۰ - الجسم جسم اسرائیلی: جسم او تنومند است.^۷
- ۱۱ - علی خذہ الایمن خال اسود: بر گونه راست او خالی سیاه است.^۸

عنایت الهی در جهت پیروزی

مطابق روایات، خداوند متعال هنگام ظهور امام زمان علیه السلام امدادهای غیبی را به کمک آن حضرت خواهد فرستاد که از آن جمله است:

۱ - عنصر ناگهانی و غفلت دشمنان

مطابق روایات، حضرت هنگامی ظهور می‌کنند که دشمنان، همه از ظهور او غافلند. و در دانش نظامی این مطلب به خوبی روشن است که چقدر عنصر غفلت و ناگهانی هجوم در پیروزی بر دشمن تأثیر دارد.

۱. البیان، ص ۹۴.
 ۲. همان، ص ۹۶.
 ۳. همان.
 ۴. همان.
 ۵. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۷.
 ۶. الغیبة، نعمانی، ص ۲۸۱؛ ارشاد مفید، ص ۳۴۲.
 ۷. البیان، ص ۹۴.
 ۸. الفصول المهمة، ص ۳۱۷.

امام زمان علیه السلام در توقیعی که به شیخ مفید رحمته الله فرستاد فرمود: «... پس همانا امر ما به طور ناگهانی است...»^۱

۲ - ایجاد رعب و وحشت

یکی دیگر از راه‌های نفوذ بر دشمن که در علم نظامی از آن بهره‌گیری فراوان می‌شود ایجاد ترس و خوف و رعب در قلوب دشمن است، تا از این راه تسلیم گردند.

نعمانی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «أمر الله عزوجل أن لاتستعجل به حتی یؤیده [الله] بثلاثة [أجناد]: الملائكة، والمؤمنین، والرعب»^۲ «خداوند عزوجل امر نمود تا به آن عجله نکنی تا این که او - مهدی علیه السلام - را به سه لشکر تأیید نماید: ملائکه، مؤمنین و وحشت.»

۳ - جذب تمام مسلمین

یکی دیگر از تأییدات الهی در حق حضرت آن است که به عنایت الهی از راهی قیام خود را شروع خواهد کرد که مورد اتفاق تمام مسلمانان است. از جمله آن که:

الف. ظهور خود را از مسجدالحرام شروع خواهد کرد که مورد اتفاق تمام مسلمانان است.

ب. خطابه‌ای که در مسجدالحرام هنگام ظهورش می‌خواند به امور مشترک و اتفاقی بین مسلمانان اشاره دارد.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۱۹۸.

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴.

ج. قیام خود را با همان شعارهای رسول خدا ﷺ شروع می‌کند.

د. مطالبه خون امام حسین علیه السلام می‌کند.

۴ - تأیید از جانب ملائکه

از جمله تأییدات الهی نسبت به حضرت مهدی علیه السلام کمک فرستادن ملائکه برای یاری حضرت و قتال به همراه حضرت بر ضد ظالمان است.

گنجی شافعی به سند خود از علی بن ابی طالب علیه السلام در حدیثی در رابطه با مهدی علیه السلام نقل کرده که فرمود: «خداوند او را با سه هزار از ملائکه یاری خواهد کرد...»^۱

قندوزی حنفی از کتاب «اسعاف الراغبین» صبان نقل کرده که در روایات فراوان آمده است که هنگام ظهور حضرت بر بالای سر او فرشته‌ای ندا می‌دهد: «این خلیفه خداست او را متابعت و پیروی کنید... و همانا خداوند متعال او را با سه هزار فرشته یاری خواهد کرد...»^۲

نعمانی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «خداوند متعال او - مهدی علیه السلام - را با سه لشکر یاری خواهد کرد: با ملائکه...»^۳

این تأیید به نوبه خود در توجه مردم به حضرت نقش به سزایی دارد، زیرا هنگامی که مخالفان مشاهده کنند که حضرت مشمول نصرت فرشتگان خداوند است ترس سراسر وجود آنها را فرا گرفته و پی به الهی بودن این قیام خواهند برد و در نتیجه طوعاً یا کرهاً خود را تسلیم حضرت می‌کنند.^۴

۲. ینابیع الموده، ص ۵۶۳.

۴. همان.

۱. البیان، ص ۹۶.

۳. الغیبة، نعمانی، ص ۱۲۸.

مکان ظهور

مطابق روایات شیعه و اهل سنت اولین مکانی که حضرت در آنجا ظهور می‌کند بین رکن و مقام است.

سیوطی به سندش از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: «مهدی از مدینه به سوی مکه خروج می‌کند، مردم از او می‌خواهند که از میانشان خروج کند آن گاه با او بین رکن و مقام بیعت می‌کنند در حالی که کراهت دارد...»^۱

شیخ طوسی به سندش از امام باقر ﷺ نقل کرده که فرمود: «گویا قائم را در روز عاشورا، روز شنبه، ایستاده بین رکن و مقام مشاهده می‌کنم...»^۲
این اخبار به جهت کثرت و تظافر آنها قابل اثبات تاریخی است.

اولین عمل هنگام ظهور

مطابق روایات، بعد از ظهور، بین رکن و مقام خطبه‌ای خوانده، آن گاه مردم را به بیعت با خود دعوت می‌نماید:

نعمانی به سندش از جابر بن یزید جعفی از امام باقر ﷺ نقل کرده که در حدیثی طولانی فرمود: «و قائم در آن روز در مکه است، تکیه بر بیت‌الحرام داده و به آن پناه می‌برد. آن گاه ندا می‌دهد: «یا أيُّها الناس!...»^۳

مجلسی به سندش از امام باقر ﷺ نقل کرده که فرمود: «همانا او - امام زمان ﷺ - به سوی مسجدالحرام به حرکت در می‌آید و در آنجا کنار مقام

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲. همان، ص ۱۰۲.

۳. الغیبة، نعمانی، ص ۱۵۰.

ابراهیم چهار رکعت نماز می‌گزارد و با تکیه بر حجرالأسود حمد خدا و ثنای او را به جای آورده و یادی نیز از پیامبر کرده و بر او درود می‌فرستد. آن گاه سخنی را آغاز خواهد کرد که هرگز کسی چنین سخن نگفته است...»^۱

نعمانی به سندش از امام باقر علیه السلام نقل کرده که در حدیثی فرمود: «گویا بر او نظر می‌کنم در حالی که بین رکن و مقام مردم با او بیعت می‌کنند...»^۲

اولین بیعت کننده

مطابق روایات، اول کسی که با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می‌کند جبرئیل است.

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «همانا اول کسی که با قائم علیه السلام بیعت می‌کند جبرئیل است...».

طبرسی از ابی‌عبدالله علیه السلام نقل کرده که در حدیثی فرمود: «... پس خداوند عزوجل جبرئیل را می‌فرستد تا نزد او آمده و سؤال کند، به او می‌گوید: به چه چیزی دعوت می‌کنی؟ قائم او را از ماهیت دعوت خبر می‌دهد. جبرئیل می‌گوید: پس من اول کسی هستم که با تو بیعت می‌کنم. آن گاه می‌گوید: کف دستت را بده، و آن را بر دست خود مسح می‌کنند...»^۳.

در این‌که بیعت جبرئیل به چه معنا است، دو احتمال وجود دارد:

۱ - معنای رمزی: به این معنا که مقصود از آن تأیید الهی برای حضرت

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۱۳۹.

۱. بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۸۰.

۳. احتجاج، ص ۴۳۱.

است، زیرا جبرئیل بزرگ‌ترین نماینده الهی است. ولی این معنا در صورتی صحیح است که حمل بر معنای صریح و ظاهر آن ممکن نباشد، در حالی که چنین نیست.

۲ - معنای رایج: به این معنا که مقصود به بیعت همان معنای رایج آن است که مردم با خلیفه و دیگران انجام می‌دهند. و فایده آن دو چیز است: الف. توجه مردم به لزوم بیعت با حضرت.

ب. تأیید حرکت و قیام امام زمان علیه السلام.

اربلی در «کشف الغمه» از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله به جهت عیادت آمد و عرض کرد: سلام بر تو ای محمد! این آخرین روزی است که به سوی دنیا فرود می‌آیم»^۱.

و نیز از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «هنگامی که وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک شد... در آن هنگام جبرئیل گفت: ای محمد! این آخرین نزول من به دنیا بود...»^۲.

این دو روایت با آنچه گفته شده منافاتی ندارد زیرا:

اولاً: همه این روایات مقید به قیدی است و آن این که تا مادامی که مصلحتی در بین نباشد.

ثانیاً: مقصود جبرئیل آن بود که به جهت نزول وحی دیگر بعد از وفات پیامبر نازل نمی‌شود، زیرا شریعت با رحلت ایشان کامل خواهد شد.

ثالثاً: بر فرض تعارض، روایات نزول حضرت جبرئیل و بیعت با امام زمان علیه السلام از حیث تعداد بیشتر بوده و از حیث سند صحیح‌تر است.

۱. کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۸ و ۱۹. ۲. همان.

مقصود از اصلاح امر حضرت مهدی علیه السلام در یک شب

مطابق روایات شیعه و سنی، خداوند متعال امر حضرت مهدی علیه السلام را در یک شب اصلاح خواهد کرد؛

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «خداوند عزوجل امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود».

و نیز از امام حسین علیه السلام نقل است که فرمود: «قائم ما اهل بیت [کسی است که] خداوند متعال امر او را در یک شب اصلاح و آماده خواهد نمود».

ابن ماجه از امام علی علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی از ما اهل بیت است که خداوند (امر) او را در یک شب اصلاح و آماده خواهد نمود».^۱

مقصود به اصلاح امر حضرت در یک شب آن است که مقدمات نصر و پیروزی را در اسرع وقت، و در یک شب فراهم کرده و او را مأمور به ظهور خواهد نمود. و اولین اقدامی که برای او خواهد نمود اجتماع اصحاب خاص آن حضرت است.

ولی چیزی که باقی می ماند این که چگونه امر حضرت در یک شب اصلاح و آماده می شود در حالی که مطابق روایات، گروهی همانند جیش سفیانی و دجال و دیگران به مبارزه با او خواهند پرداخت.

پاسخ: اولاً: ممکن است مقصود از «یک شب» که در روایات آمده کنایه از سرعت اصلاح امر امام زمان علیه السلام باشد.

ثانیاً: ممکن است مقصود از اصلاح امر حضرت علیه السلام پیروزی در یک شب باشد.

ثالثاً: ممکن است مقصود از اصلاح امر حضرت، تنها مقدمه‌سازی برای اعلان ظهور باشد، گر چه پیروزی نهایی به طول انجامد.
 رابعاً: از آنجا که معارضه با مخالفان به سرعت و با اعجاز انجام می‌گیرد، لذا تعبیر به یک شب شده است.

غلبه بر جهان با یاران اندک

اگر چه در روایات به یاران محدود حضرت یعنی ۳۱۳ نفر اشاره شده است، ولی پیروزی آنان بر مستکبران به رهبری حضرت مهدی علیه السلام از جهاتی دور از انتظار نیست زیرا:

۱ - در روایات به یاران دیگری در حدود ده هزار نفر نیز اشاره شده که بدون تحقق آنها حضرت مهدی علیه السلام ظهور نخواهد کرد.

۲ - غلبه حضرت بر جهان ممکن است از طریق اعجاز باشد، زیرا خداوند متعال ضمانت کرده تا گروه اندک را در صورت استقامت بر گروه زیاد پیروز گرداند.^۱

۳ - از طریق علل و اسباب عادی و ظاهری نیز حصول چنین فتح و پیروزی امری دور از انتظار نخواهد بود، زیرا حضرت در موقعی ظهور خواهند کرد که اوضاع و احوال اجتماعی، اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد باشد. در آن موقع همه ملل به جهت سرخوردگی از نظام‌های مختلف و قتل و غارت‌ها به تنگ آمده‌اند، و لذا در انتظار چنین حکومتی به سر می‌برند، و مردم به مجرّد

شنیدن خبر ظهور به آن حضرت و حکومتش روی خوش نشان می‌دهند، و ایشان تنها با گروه خاصی درگیر خواهند شد.

۴- از آنجا که جهان به مانند دهکده‌ای کوچک درآمد و هر چه از عمر آن بگذرد این ارتباط تنگ‌تر خواهد شد، لذا با به دست گرفتن نقطه‌های کلیدی و با استعانت از خداوند متعال، حکومت جهانی حضرت تحقق خواهد یافت.

محدوده اعجاز هنگام ظهور

در مورد سؤال فوق سه احتمال وجود دارد:

۱- این که نصرت حضرت و پیاده کردن حکومت جهانی تماماً با اعجاز و قدرت خارق‌العاده الهی باشد. ولی این احتمال از جهاتی قابل مناقشه است: الف. اگر اعجاز راه صحیحی برای دعوت الهی بود، حضرت می‌توانست در خلال غیبت صغرا از آن برای سیطره بر عالم استفاده کند.

ب. با اعجاز احتیاج به تعداد زیادی از اصحاب نیست.

ج. مطابق برخی روایات بین حضرت و مخالفینش جنگ و خونریزی شدیدی در خواهد گرفت، و در صورت اعجاز تام، احتیاج به این کارها نیست.

۲- این که خداوند متعال اراده کرده که حضرت مهدی علیه السلام به صورت عادی بر دشمنان خود غالب شده و حکومت عدل جهانی را گسترش دهد، بدون آن که کوچک‌ترین کمکی از راه اعجاز در پیشبرد اهداف او بشود.

این احتمال نیز خالی از اشکال نیست زیرا مطابق روایات، حضرت

مهدی علیه السلام مورد عنایت و تأیید خاص الهی در جهت ظهورش خواهد بود.

۳ - با ردّ دو احتمال پیشین به این نتیجه می‌رسیم که نصرت حضرت به طور طبیعی و عادی خواهد بود، گر چه این نصرت همراه با تأییدات جزئی و خاصی از جانب خداوند است، زیرا همان گونه که می‌دانیم بشر در عصر ظهور مورد ظلم و ستم فراوان است، و از طرفی از حیث فرهنگی و رشد عقلانی، عموم بشر به بالاترین سطح خود رسیده است، و لذا به دنبال چنین رهبری الهی می‌گردد که با لبیک به دعوتش از او پیروی نماید. هرگز ابرقدرت‌ها با همه امکاناتی که دارند نمی‌توانند در مقابل اراده ملت‌ها بایستند. اگر مردم همگی یکپارچه و یک صدا فریاد برآورند، دشمنانشان به زانو در خواهند آمد. مگر نبود که در صدر اسلام چگونه مردم فوج فوج داخل اسلام شده و دعوت پیامبر را پذیرفتند؟ در عصر ظهور نیز هنگامی که مردم دنیا از وسایل ارتباط جمعی خبر قیام مصلحی جهانی را بشنوند به او گرویده و از او حمایت خواهند کرد، و کسی نمی‌تواند در صورت اقبال مردم با اراده آنها مقابله کند. گر چه هر کجا که مانعی خاص پیدا شده خداوند متعال به کمک او آمده و از حضرت حمایت خواهد نمود.

و لذا در روایات آمده است که امام زمان علیه السلام با نصرت و ترسی که در دل دشمنان می‌افتد حمایت خواهد شد. این ممکن است که به صورت عادی باشد؛ زیرا با نصرت مردم که به عنایت خداوند و اقبال مردم است، چنان رعبی در دل دشمنان خواهد افتاد که همه امکانات خود را گذارده، فرار خواهند نمود. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور

می‌کند نام مبارکش بر سر زبان‌ها خواهد بود، و وجود مردم سرشار از عشق به مهدی است، به گونه‌ای که جز نام او هیچ نامی در یاد و زبان آنان نیست، و با دوستی او روح خود را سیراب می‌کنند.^۱

قیام با شمشیر!!

برخی سؤال می‌کنند که مطابق برخی روایات، امام زمان علیه السلام با شمشیر قیام خواهد کرد و با آن به مقابله با مخالفان حق و حقیقت و ظالمان خواهد پرداخت. این مسأله قابل پذیرش نیست، زیرا چگونه ممکن است یک نفر با شمشیر در مقابل تسلیحات کشتار جمعی جدید و مخرب که می‌تواند کل کره زمین را چندین بار نابود کند ایستاده و مقابله کند؟

اصل این مسأله در روایات به آن اشاره شده است. محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «... وأما شبهه من جدّه المصطفی صلی الله علیه و آله فخروجه بالسيف وقتله أعداء الله وأعداء رسوله صلی الله علیه و آله والجبارين والطواغيت، وأنه ينصر بالسيف والرعب...»^۲ «و اما شباهت مهدی به جدش مصطفی صلی الله علیه و آله به خروج با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و دشمنان رسولش و جباران و طاغوت‌ها است، و همانا او به توسط شمشیر و ترس نصرت و یاری خواهد شد...».

ولی بحث در آن است که مقصود از شمشیر چیست؟ آیا شمشیر موضوعیت و خصوصیت دارد، یا اشاره به چیزی دیگر است؟ در پاسخ به این سؤال‌ها می‌گوییم:

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۸. ۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

اولاً: چه اشکالی دارد که شخصی با شمشیر ولی همراه با اعجاز الهی که حضرت را مساعدت می‌کند با دشمنان خود به مقابله پردازد؟
ثانیاً: به احتمال زیاد مقصود از شمشیر، قوت و اسلحه است زیرا مسلمانان در آن عصر یعنی قبل از هزار سال اسلحه‌ای به جز شمشیر نداشته و هرگز به ذهن آنها چنین تسلیحاتی خطور نمی‌کرده است، لذا از «اسلحه» به شمشیر تعبیر شده است.

در این صورت دو احتمال وجود دارد:

الف. این که امام زمان علیه السلام نیز به قدرت و اعجاز الهی و یا از راه تسلط بر تسلیحات موجود بر ضد مخالفان و ظالمان استفاده می‌کند.

ب. احتمال دیگر آن است که امام زمان علیه السلام با تسلط بر مراکز تصمیم‌گیری و از کار انداختن وسایل جنگی آنها که با هسته‌های مرکزی ارتباط دارد، تمام آنها را از راه اعجاز یا طریق عادی از کار می‌اندازد.

ثالثاً: مطابق برخی روایات، شمشیرهای اصحاب حضرت از آهن است، ولی نه مثل این آهن‌هایی که در دسترس ما قرار دارد، بلکه به گونه‌ای است که اگر یکی از آنان با شمشیر خود بر کوه زند، آن را دو نیم می‌کند. و بنابر تعبیر دیگر، وسیله دفاعی آنان به گونه‌ای است که اسلحه دشمن هرگز بر آنها کارگر نیست.^۱

لذا ممکن است اسلحه‌ای را که حضرت و یاورانش به کار می‌برند از وسایلی باشد که بتواند همه دستگاه‌های دشمنان را از کار بیندازد ولی در

مقابل، هیچ دستگاهی بر آن کارگر نباشد، همان گونه که در این زمان، بشقاب پرنده‌ها و اشیای نورانی شناخته نشده را مشاهده می‌کنیم.

رابعاً: پیروزی عمده امام زمان علیه السلام و سیطره آن حضرت بر جهان از راه اقبال مردمی به سوی ایشان است. و دیگر از راه ترس و رعبی است که خداوند در قلوب مخالفان و ظالمان قرار می‌دهد تا تمام تسلیحات خود را بر زمین گذارده، فرار کرده یا تسلیم می‌شوند، خصوصاً آن که در ابتدای ظهور، وقتی مقداری از معجزات حضرت را مشاهده کردند می‌فهمند که امر او الهی است و نمی‌توان با مرد الهی مقابله کرد، بدین جهت تسلیم حضرت می‌شوند و گروه اندکی نیز که به مخالفت و مقابله می‌پردازند نابود می‌شوند.

خامساً: از کجا که در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، این اسلحه خطرناک در اختیار بشر باقی مانده باشد؛ زیرا ممکن است که در اثر حوادث و آشوب‌ها و جنگ‌های جهانی که پیش از ظهور آن حضرت اتفاق می‌افتد این اسلحه‌ها نابود شود.

سادساً: جنگ‌ها و کشتارهای بی‌رحمانه، نتیجه جهل و ضلالت و بی‌خردی بشر است. حال اگر در عصر ظهور، عقل مردم کامل شود، بر فرض که سلاح‌های خطرناک در اختیار داشته باشند آن را بر ضد یکدیگر به کار نمی‌گیرند؛ و نیروهایی که آن سلاح‌ها را در اختیار دارند پی به حقانیت حضرت برده و یا با ایجاد رعب و وحشت که در دلشان قرار می‌گیرد از به کار بردن آن بر ضد حضرت خودداری می‌کنند.

بررسی کشتارها هنگام ظهور

اخباری که در آنها، کشتار در حجم وسیعی را مطرح کرده‌اند بر دو قسم است:
 الف. قسمتی از آنها مربوط به ملاحم و فتنه‌های قبل از ظهور است و هیچ
 گونه ارتباطی به دوران ظهور ندارد و تنها ناظر به اوضاع نابسامان جهان پیش
 از ظهور است. بیشتر این روایات از روایات مرسل اهل سنت است.
 ب. دسته‌ای دیگر از روایات مربوط به هنگامه ظهور و حکومت امام
 زمان علیه السلام است.

این نوع روایات نیز بر دو گونه‌اند:

۱ - روایاتی که از طریق عامه و از نبویات است و بیشتر آنها مشکل سندی
 دارد، به طوری که بعضی از آنها مرسل، و برخی دیگر به پیامبر صلی الله علیه و آله منتهی
 نمی‌شود، بلکه از افرادی مانند کعب الاحبار نقل شده که در زمان پیامبر
 مسلمان نبوده است.

عمده این روایات از اسرائیلیات است که با اغراض مختلفی وارد کتاب‌های
 روایی شده‌اند. عالمی از اهل سنت مانند ابن‌کثیر، هنگامی که به روایات امثال
 کعب الاحبار می‌رسد می‌گوید: «خدا ما را از این همه اخبار دروغی که وارد
 تفسیرها و کتاب‌های روایی و... شده، بی‌نیاز کند...»^۱

۲ - روایاتی که از طرق اهل بیت علیهم السلام نقل شده و یا در کتاب‌های شیعه ذکر
 شده است. در این کتاب‌ها، اخبار منقول از اهل بیت علیهم السلام و برخی دیگر که نقل
 شده به آن حضرت منتهی نمی‌شود.

۱. تفسیر ابن‌کثیر، ج ۴، ص ۱۷.

حجم کشتارها

نمی‌توانیم ادعا کنیم که هنگام قیام امام زمان علیه السلام هیچ گونه قتل و کشتاری رخ نمی‌دهد؛ زیرا مسلماً این واقعه عظیم بدون برطرف کردن خارها و دشمنان سر راه آن حضرت میسر نخواهد شد.

و لذا در روایات مشاهده می‌کنیم که اهل بیت علیهم السلام بر اصل قتل و خونریزی هنگام ظهور و قیام حضرت اشاره کرده‌اند.

بشیر بن ابی اراکه تبار می‌گوید: هنگامی که به مدینه وارد شدم به طرف منزل ابوجعفر امام باقر علیه السلام رفتم... عرض کردم: مرجئه می‌گویند: هنگامی که قیام قائم روی دهد همه کارها برای او هموار خواهد شد و به اندازه یک ظرف حجامت هم خون نمی‌ریزد. حضرت فرمود: «... کلاً والذی نفسی بیده حتی نمسح وأنتم العرق والعلق...»^۱ «هرگز چنین نیست، سوگند به آن که جانم به دست اوست کار به اینجا می‌انجامد که ما و شما عرق و خون بسته شده را پاک خواهیم کرد.»

به این مضمون روایات دیگری نیز رسیده است. ولی از طرفی دیگر تاریخ گواهی می‌دهد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان اهل بیت علیهم السلام سعی داشته‌اند امور را به طور عادی و از مسیر طبیعی آن انجام دهند، و حتی الامکان دست به شمشیر نبرند، زیرا هدف آنان ارشاد و هدایت مردم است، جز آن که گسترش عدل در جامعه اقتضای کشت و کشتاری گرچه در حد محدود را دارد، و قرار

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۲۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶.

نیست که تمام امور از طریق معجزه حلّ شود، ولی اندیشهٔ افراطی نیز در این مسأله صحیح نیست و هرگز دلیلی عقلی و عقلایی و نقلی بر گستردگی کشتارها در حدّی وسیع وجود ندارد، خصوصاً آن که مطابق ادعای برخی، از هر نه نفر هفت نفر یا از هر هفت نفر پنج نفر کشته می‌شوند!

وقت کشتارها

با توجه به احادیث اهل بیت علیهم‌السلام پی خواهیم برد که جهان اندکی قبل از ظهور شاهد جنگ‌های خونین خواهد بود. و لذا می‌توان گفت که مردم با مشاهده و مواجهه با این جنگ‌ها به استقبال مصلحی عالمی خواهند رفت، و حضرت نیز از این موقعیت استفاده کرده و با کمترین استقامتی از طرف مخالفین خود و ظالمین، عالم را فتح خواهد کرد.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لا یكون هذا الأمر حتى يذهب ثلث الناس. فقيل له: إذا ذهب ثلث الناس فما يبقى؟ فقال عليه‌السلام: أما ترضون أن تكونوا الثلث الباقي؟»^۱ «این امر - قیام امام زمان علیه‌السلام - واقع نمی‌شود تا این که دو سوّم مردم از بین بروند. راوی می‌گوید: به حضرت عرض کردم: اگر دو سوّم مردم از بین بروند، چه کسی باقی می‌ماند؟ حضرت فرمود: «آیا راضی و خرسند نمی‌شوید که شما از یک سوّم باقی مانده باشید.»

زراره می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: آیا ندای آسمانی حقیقت دارد؟ فرمود: «إي والله حتى يسمعه كل قوم بلسانهم. وقال عليه‌السلام: لا يكون هذا

الأمر حتى يذهب تسعة أعشار الناس»؛^۱ «آری به خدا سوگند، چنان است که هر قومی با زبان خودشان آن را می شنوند. آن حضرت فرمود: «این امر محقق نمی شود تا این که نه دهم (۹) مردم از میان بروند.»

سليمان بن خالد می گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: «قدم القائم موتان: موت أحمر وموت أبيض حتى يذهب من كل سبعة خمسة: الموت الأحمر، السيف، والموت الأبيض: الطاعون»؛^۲ «قبل از قیام قائم دو نوع مرگ رخ می دهد، مرگ سرخ و مرگ سپید، تا این که از هر هفت نفر پنج نفر از بین برود. مرگ سرخ با شمشیر و مرگ سپید با طاعون است.»

با ملاحظه این احادیث و احادیث دیگر پی خواهیم برد که حجم وسیعی از کشتارها و خونریزی ها مربوط به دوران پیش از قیام حضرت مهدی عليه السلام و قبل از ندای آسمانی است.

گرچه برخی از روایات نیز از مجعولات و اسرائیلیات بوده و با اهداف و انگیزه های خاصی مانند خدشه دار کردن چهره نهضت جهانی و حکومت حضرت مهدی عليه السلام و یا توجیه کشتارها در فتوحات و... وارد کتاب های روایی شده و کشتارهای زیادی را به امام زمان عليه السلام نسبت داده است.

و نیز یک سری از آنها مرسل و مرفوعه است و مشکل سندی دارد. همانند روایتی را که فضل بن شاذان مرفوعاً از امام صادق عليه السلام نقل می کند که حضرت

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۷۴، باب ۱۴، ح ۵۴.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵، باب ۵۷، ح ۲۷.

فرمود: «يقتل القائم عليه السلام حتى يبلغ السوق. فيقول له رجل من ولد أبيه...»؛^۱
 «حضرت قائم عليه السلام آن قدر از انسان‌ها را می‌کشد که تا ساق پا را خون فرا می‌گیرد، تا آن‌که شخصی از فرزندان پدرش به او اعتراض شدید می‌کند...».

البته همچنان که اشاره شد این حدیث مرفوعه بوده و مشکل سندی دارد. و از طرفی محتوا و دلالتش ناتمام است، زیرا ممکن است که «سوق» که در روایت آمده مقصود از آن نام شهر یا محلی همانند «سوق الاهواز» باشد. خصوصاً آن‌که در حدیث مذکور سخن از خون به میان نیامده است. لذا چنین به نظر می‌رسد که «سوق» محل و مکان مخصوص باشد.

و نیز برخی از روایات به جهات دیگری ضعف سند دارد: در روایتی از امام صادق عليه السلام نقل شده که فرمود: «... و به حدی از ظالمان را خواهد کشت که جاهلان می‌گویند: اگر این مرد از ذریه محمد بود ترحم می‌کرد».

ولی این روایت از حیث سند مورد اشکال است؛ زیرا در سند آن احمد بن عثمان آدمی است که مجهول می‌باشد.^۲

زر بن حبیش می‌گوید: از علی عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: «خداوند به واسطه مردی از ما فتنه‌ها و آشوب‌ها را برطرف می‌سازد و آنان - فتنه‌گران - را خوار و ذلیل می‌گرداند و بر آنان جز شمشیر وارد نمی‌کند. شمشیر بر دوش نهاده و هشت ماه به شدت مبارزه می‌کند تا این‌که می‌گویند: به خدا سوگند این از

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷، باب ۲۷، ح ۲۰۳.

۲. مستدرک علم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۶۵.

فرزندان فاطمه نیست، اگر از فرزندان فاطمه بود به ما رحم می‌کرد».^۱
 و از عیسی بن خشاب نقل شده که به امام حسین بن علی علیه السلام عرض کردم:
 آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود: «لا، ولكن صاحب الأمر الطريد
 الشريد الموتور بأبيه المكنى بعمه، يضع سيفه على عاتقه ثمانية أشهر»؛^۲
 «خیر، ولی صاحب امر، رانده شده، دور افتاده، خونخواه پدرش و دارای کنیه
 عمویش می‌باشد. شمشیرش را هشت ماه بر دوش خود می‌نهد.»

و از ابوبصیر نقل شده که فرمود: شنیدم که امام باقر علیه السلام می‌فرمود: «يضع
 السيف على عاتقه ثمانية أشهر هرجاً هرجاً حتى يرضى الله. فقلت: فكيف
 يعلم رضى الله؟ قال: يلقي الله في قلبه الرحمة...»؛^۳ «... شمشیر را هشت ماه بر
 دوش خود می‌نهد و به شدت مبارزه می‌کند تا این که خداوند راضی شود. عرض
 کردم: چگونه رضایت خدا را می‌داند؟ فرمود: خداوند در دل ایشان رحمت قرار
 می‌دهد.»

این روایات از حیث سند ضعیف هستند، زیرا در سند اول و دوم عمر بن
 قیس و عیسی بن خشاب وجود دارند که هر دو مجعولند.
 و در سند روایت سوّم ابن ابی حمزه واقع شده که او هم مورد تضعیف قرار
 گرفته است.

از طرفی دیگر ممکن است که مقصود از این احادیث، مدت عملیات
 تهاجمی لشکریان حضرت باشد که در طول هشت ماه ادامه می‌یابد.
 این نکته نیز قابل توجه است که کاری بس عظیم که حضرت انجام

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸، باب ۳۰، ح ۵.

۱. کنز العمال، ج ۱، ص ۵۸۹.

۳. الغيبة، نعمانی، ص ۱۶۴.

می‌دهد یعنی همان گسترش حکومت عدل جهانی در سطح کره روی زمین اقتضای چنین قتل و کشتاری گر چه در حدی محدود را دارد، زیرا با قیام حضرت هرگز ستمگران ساکت نخواهند بود، ولی این کشتارها را در مقابل قیام‌ها و نهضت‌های دیگر که ملاحظه می‌کنیم چندان قابل توجه نیست.

چرا استفاده از زور؟

از کارهای حتمی امام موعود علیه السلام جنگی تمام عیار با تمام انسان‌های خون آشام است. در مسأله جنگ ممکن است چنین انگاشته شود که هدایت انسان و ساختن جامعه بشری با دعوت اخلاقی و تربیت درست، امکان‌پذیر است و نیازی به خونریزی و جنگ نیست؟

ولی در توجیه این احتمال می‌گوییم: مطالعه تاریخ بشری - از روزی که تاریخی بر جای مانده است - به خوبی این واقعیت را آشکار می‌سازد که موانع راه رشد و تکامل انسان جز با قدرت و خونریزی از سر راه برداشته نمی‌شود، و تعالیم اخلاقی و اصول تربیتی هر چند تأثیرهای ژرف و گسترده داشته است لیکن این تأثیرها در برخی از افراد نجیب انسانی بوده است، و در طبقه سلطه طلب و دنیادار و استثمارگر که منابع اقتصادی، سیاسی و نظامی جامعه‌ها را در دست داشته و دارند، یا هیچ تأثیری نداشته و یا تأثیر آن تحول‌آفرین و دگرگون‌ساز نبوده است. برای تربیت و هدایت آنان باید عامل دیگری به کار می‌رفته است تا سد راه انسان‌ها نگردند و راه رشد را بر توده‌ها نبندند، تا همگان بتوانند بی هیچ گونه مانعی به راه رشد خویش ادامه دهند. از این رو

مسأله جنگ و کاربرد نیرو به عنوان یک ضرورت برای دستیابی به هدف‌های انسانی مطرح می‌گردد. اسلام، با توجه به همین واقعیت‌ها جنگ را نه به عنوان هدف و آرمان بلکه به عنوان راه و وسیله برای تحقق توحید و عدل پذیرفته است.

در قرآن کریم آمده است: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ...»^۱ «با آنان نبرد کنید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین، همه‌اش برای خدا گردد...».

از این رو پیامبر اسلام که «رحمة للعالمین» است فرمود: «الخير كله في السيف وتحت ظل السيف، ولا يقيم الناس إلا السيف، والسيوف مقاليد الجنة والنار»^۲ «تمام نیکی و خیر در شمشیر است و در زیر سایه شمشیر، و مردمان را جز شمشیر راست نمی‌کند. و شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخند.» امام باقر علیه السلام فرمود: «... إن في القائم من آل محمد شياً من خمسة من الرسل... وأما شبهه من جدّه المصطفى فخروجه بالسيف وقتله أعداء الله وأعداء رسوله والجبارين والطواغيت، وأنه ينصر بالسيف والرعب...»^۳ «قائم آل محمد علیه السلام شباهت‌هایی با پنج تن از پیامبران دارد... اما شباهت او به جدّ خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله قیام با شمشیر است و کشتن دشمنان خدا و پیامبرش، و جباران و سرکشان، او با شمشیر و ترس [که در دل جباران افکنده می‌شود] مدد می‌گردد.»

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵.

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۳.

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۷.

شیوه و رفتار امام زمان علیه السلام با ظالمان

مطابق برخی از روایات کسانی مورد غضب امام عصر علیه السلام قرار می‌گیرند که حجت بر آنان تمام شده ولی عناد و سرکشی کرده و حجت خدا را نمی‌پذیرند. امام صادق علیه السلام فرمود: «... در این هنگام قائم علیه السلام ظهور می‌کند و سبب نقیمت خدا و خشم و غضب او بر بندگان می‌گردد؛ زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی‌گیرد مگر بعد از آن که حجتش را انکار کنند».

کشتار مسلمین!!

مستفاد از روایات آن است که بیشتر قتل‌ها در محدودهٔ بلاد اسلامی و بین مسلمانان اتفاق خواهد افتاد، سؤال این است: چگونه چنین خواهد شد با آن که می‌دانیم مشرک و کافر از حق دورترند تا مسلمان، و لذا آنها به کشته شدن سزاوارترند تا مسلمان.

در پاسخ به این سؤال می‌گوییم:

اولاً: روایات دلالت ندارد بر این که کشتارها و قتل‌ها فقط در محدودهٔ مسلمانان است و حضرت کسی از کفار را به قتل نمی‌رساند، بلکه ظاهر برخی از روایات عموم است که شامل هر معاندی که در صدد ایجاد مانع از برپایی حکومت حضرت است، می‌شود.

ثانیاً: گر چه اسامی برخی از جماعتی که توسط حضرت و اصحابشان به قتل می‌رسند در روایات ذکر شده است، ولی این دلالت ندارد که قتل و کشتار در دسته‌ها و جماعات دیگر اتفاق نمی‌افتد و حضرت از کفار و مشرکان کسی را به قتل نمی‌رساند.

ثالثاً: بر فرض که روایات، ظهور در اختصاص کثرت قتل‌ها در مسلمین داشته باشد، این امری غیرمنتظره نیست، بلکه مطابق با قواعد کلی است؛ زیرا مطابق برخی از روایات، بسیاری از بلاد کفر تسلیم حضرت خواهند شد، و کثرت قتل در بین مسلمین به جهت پاک‌سازی آنان از عناصر نامطلوب است. در میان امت اسلامی حجت در تمام جوانب برای مردم تمام شده است لذا از هیچ کس عذری پذیرفته نمی‌شود.

توضیح این مطلب این‌که: یکی از مشکلاتی که امام مهدی علیه السلام با آن روبه‌رو می‌شود مشکل انحراف‌ها و برداشت‌ها و تفسیرهای نادرستی است که در راه و روش‌های دین خدا و اصول و فروع احکام الهی پدید آمده و قرن‌ها در ذهن جامعه اسلامی نفوذ و رسوخ کرده است. این موضوع، مانعی عظیم بر سر راه امام مهدی علیه السلام است. مانع کفر و بی‌دینی و بی‌اعتقادی در برابر این مانع امری ساده است. کفر به سلاحی مجهز نیست و انسان بی‌اعتقاد حقی را به نام اسلام واژگونه نیاموخته است، و برای او اصل یا اصولی را نادرست تفسیر نکرده است، و چیزی را به شکل انحرافی و نادرست به نام دین خدا در ذهن جای نداده است، و آیه یا حدیثی را به دلخواه خویش معنی نکرده است. ولی با مسلمان و مدعی خداشناسی که تعالیم دین یا بخش‌هایی از آن را به گونه‌ای انحرافی آموخته و معنای بسیاری از احادیث و آیات قرآنی را واژگونه فهمیده است، و به اصول و مبانی و راه و روش‌هایی پای‌بند و معتقد است که در حقیقت ضد دین خدا و راه و روش پیامبران است، چگونه می‌توان روبه‌رو شد؟ بخشی از برنامه‌های کشتار گسترده و فراگیر امام مهدی علیه السلام در جامعه‌های

اسلامی شاید به این علت باشد که مسلمانان با حربۀ اسلام انحرافی - که در حقیقت ضدّ اسلام است - به جنگ با امام بر می‌خیزند، و امام ناگزیر با قاطعیّت با آنان روبه‌رو می‌شود و کار آنان را یکسره می‌کند، البته در صورتی که از افکار و اندیشه‌های نادرست خویش دست برندارند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «... وَإِنَّ الْقَائِمَ يَخْرُجُونَ عَلَيْهِ فَيَتَأَوَّلُونَ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَيَقَاتِلُونَهُ عَلَيْهِ»؛^۱ «لیکن قائم [در هنگام رستاخیز خویش] با مردمی روبه‌رو می‌شود که رو در روی او می‌ایستند و آیه‌های کتاب خدا را در برابر او به نظر خود تأویل می‌کنند، و در همین راستا با او به نبرد بر می‌خیزند.»

جنگ با اعراب!!

مجلسی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «ما بقی بیننا و بین العرب إلا الذبح، وأوماً بیده إلى حلقه»؛^۲ «بین ما و بین عرب چیزی به جز ذبح باقی نمی‌ماند. آن‌گاه حضرت به دست مبارک خود به حلقشان اشاره نمودند.»

در توجیه این روایت می‌گوییم:

۱ - ظاهر حدیث این است که عرب هر یک از ائمه اهل بیت علیهم السلام را به قتل خواهد رساند.

۲ - احتمال دیگر این‌که امام صادق علیه السلام اشاره به جنایات و قتل و ذبحی

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۹.

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۲۹۷.

است که منصور عباسی در عصر آن حضرت نسبت به بنی‌هاشم و ذریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته است. و مطابق تاریخ تعداد زیادی از آنها را به قتل رسانید.

شدت برخورد با اعراب!!

در غالب روایاتی که در آن سخن از سنت جدید، قضاوت جدید، امر جدید و کتاب جدید به میان آمده این تعبیر به چشم می‌خورد: «علی العرب شدید». در توجیه این روایت می‌گوییم:

آنچه به ذهن می‌آید - و العلم عند الله تعالی - این‌که: حضرت مهدی علیه السلام قیام خود را از مکه که سرزمین عرب است شروع خواهد کرد. حضرت با برنامه‌ای اصلاحی و توسعه همه جانبه، مقصد و مرام خویش را به پیش خواهد برد. طبیعی است که پیاده کردن این برنامه‌ها با مشکلات فراوانی همراه است، درگیری با سفیانی‌ها و دجال‌ها و دیگر منحرفان که با برنامه‌های حضرت به مقابله برخوانند خاست، در همین منطقه خواهد بود. طبیعی است که با چنین شرایطی برنامه حضرت در عصر سختی پیاده خواهد شد. لذا عرب سختی‌های فراوانی از آن خواهد کشید، گرچه امام زمان علیه السلام از امکانات اعجازی نیز استفاده و بهره خواهند برد. شاهد این معنا این‌که در برخی از روایات ذیل جمله «علی العرب شدید» چنین آمده است: «ویل للعرب من شرّ قد اقترب»^۱ یعنی وای بر عرب از شری که بر او نزدیک شده است. و این ممکن است که به جهت اظهار ترخم بر آنها باشد.

شروع از منحرفان مذهب

مفضل بن عمر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «اگر قائم ما قیام کند از دروغ‌گویان شیعه شروع کرده، آنها را به قتل خواهد رساند».^۱
در توجیه این حدیث می‌گوییم:

اولاً: بعد از چشم‌پوشی از ضعف سند حدیث، می‌دانیم که کلمه «شیعه» فرقه امامیه، اسماعیلیه، زیدیه و دیگر فرقه‌های شیعی را شامل می‌شود، همان گونه که بر کسی که خود را به تشیع نسبت داده ولی بعد از مدتی از خط اهل بیت منحرف شده است اطلاق می‌گردد. ابوالخطاب، مغیره بن سعید، احمد بن هلال عبرتایی، ابن ابی العزاقر و دیگر منحرفین که ادعای تشیع داشتند، در حالی که اهل بیت علیهم السلام از آنها بی‌زار بودند از این دسته‌اند. لذا کشتی خبر فوق را تحت عنوان «ما روی فی محمد بن ابی زینب» معروف به ابوالخطاب که فرقه خطاییه به او نسبت داده می‌شود، نقل کرده است. او کسی بود که احادیث زیادی از طرف امام در مورد لعن و نفرین او صادر شد و از خداوند طلب نمود که حرارت شمشیر را به او بچشانند.^۲

در نتیجه: مقصود از کذابین شیعه، همین افراد و یا فرقه‌های دیگر شیعه، غیر از امامیه‌اند که با نسبت‌های ناروا و دروغ، گروهی را منحرف کرده‌اند و لذا امامان شیعه آنها را لعن کرده و حکم به کفر آنها نموده و از آنها تبری جستند. و هنگام ظهور نیز امام زمان علیه السلام در ابتدا آنها را نابود خواهد کرد.

ثانیاً: از آن جهت که حضرت مهدی علیه السلام مردم را دعوت به اسلام ناب

۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۸۹. ۲. همان، ص ۵۹۱.

محمدی که در تشیع اصیل متبلور است دعوت می‌کند، باید در مرتبه اول منحرفین از این راه اصیل را از بین برده، تا بتواند دیگران را به این راه وارد کند. کسانی که مقابله با آنها به مراتب سخت‌تر و دشوارتر از کفار و صاحبان ادیان و مذاهب دیگر است.

در نتیجه: حدیث فوق هرگز ربطی به راویان حدیث اهل بیت علیهم‌السلام ندارد، آن‌هایی که علوم اهل بیت را اخذ کرده و با دقت تمام به دست آیندگان رساندند. آنان کسانی بودند که از طریق امامان شیعه مورد مدح و ستایش قرار گرفتند که می‌توان در رأس آنها از زراره، محمد بن مسلم، برید عجللی، ابوبصیر نام برد.

وظایف حضرت عیسی علیه‌السلام بعد از نزول از آسمان

ابوهریره در حدیثی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که فرمود: «... او از آسمان فرود می‌آید... با مردم به جهت دعوت به اسلام جنگ خواهد کرد، صلیب را خرد کرده و خوک را می‌کشد و جزیه وضع می‌کند. خداوند در عصر او همه ملت‌ها به جز اسلام را نابود می‌گرداند و مسیح دجال را نیز به هلاکت می‌رساند. در روی زمین چهل سال درنگ می‌کند و بعد از وفات، مسلمانان بر او نماز می‌گذارند».^۱

ممکن است که مقصود از کشتن خوک، کنایه از تحریم خوردن آن بر مسیحیان آن عصر باشد. و مقصود از وضع جزیه، کنایه از ابطال جمیع ادیان است.^۲

۱. سنن ابی‌داوود، ج ۲، ص ۳۱۹، ح ۴۳۲۴؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۳۳۳، ح ۳۸۸۴۳.
۲. المسيح المنتظر و نهاية العالم، ص ۲۴۰.

شریعت عیسی علیه السلام بعد از نزول

از برخی روایات استفاده می‌شود که حضرت عیسی علیه السلام بعد از فرود آمدن از آسمان، به شریعت اسلام عمل می‌کند نه به شریعت خود.

سمره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «عیسی بن مریم در حالی که تصدیق کننده به محمد صلی الله علیه و آله و بر ملت او است نزول می‌کند، آن گاه دجال را به قتل می‌رساند...»^۱

ابن حبان در صحیح خود از ابوهریره نقل کرده که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «... و هنگامی که سر از رکوع برمی‌دارد «سمع الله لمن حمده» می‌گوید...»^۲

منجی و رهبر در حکومت عدل توحیدی

در مورد منجی و رهبر در حکومت عدل جهانی توحیدی سه احتمال وجود دارد:

۱ - منجی و رهبر جهانی همان عیسی بن مریم است، و منظور از مهدی نیز اوست.

۲ - منجی و رهبر، مهدی موعود اسلامی است، که از او به مسیح نیز تعبیر شده است.

۳ - منجی و رهبر، حضرت مهدی است که حضرت عیسی نیز از جانب خداوند به مساعدت او می‌شتابد.

۱. مسند احمد، ج ۵، ص ۱۳؛ المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۲۲۱.

۲. صحیح ابن حبان، ج ۵، ص ۲۲۳.

ادله احتمال اول

۱ - لفظ مسیح که مقصود از آن، نجات بخش و منجی است لقب حضرت عیسی علیه السلام می باشد.

۲ - در برخی از اناجیل و روایات اسلامی به طول عمر حضرت مسیح در آخرالزمان اشاره شده است.^۱

۳ - در برخی از روایات آمده: «ولا مهدی إلا عیسی بن مریم»؛ «و مهدی به جز عیسی بن مریم نیست.»

پاسخ:

اولاً: نامگذاری حضرت عیسی علیه السلام به مسیح بر استقلال او در برپایی حکومت عدل جهانی دلالت ندارد؛ زیرا نام «مسیح» را برخی از کاتبان اناجیل بر حضرت مسیح اطلاق نمودند و قرآن نیز به جهت شهرت آن بر آن حضرت اطلاق کرده است. و دیگر این که کافی است در لقب دادن حضرت عیسی به مسیح به جهت آن که در تأسیس حکومت عدل جهانی مشارکت دارد.

ثانیاً: توافق اسلام و مسیحیت در بازگشت حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان و طول عمر او دلالت بر استقلال ایشان در تشکیل حکومت و رهبری ندارد.

ثالثاً: در مورد حدیث «ولا مهدی إلا عیسی بن مریم» که ابن ماجه آن را در سنن خود نقل کرده اشکالاتی وجود دارد:

الف. این حدیث معارض با روایات متواتری است که مهدی را از ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی کرده است.

۱. انجیل متی، ۲۸ / ۱۹ - ۲۰.

ب. این روایت از منفردات محمد بن خالد جندی است و تنها اوست که آن را نقل کرده است در حالی که او کسی است که به تعبیر آبری، نزد اهل سنت معروف نیست. و به تعبیر حاکم نیشابوری، مجهول بوده و نقل حدیثش به جهت تعجب است.^۱ لذا قرطبی می‌گوید: «احادیث نبوی که دلالت بر خروج مهدی علیه السلام از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و از اولاد فاطمه علیها السلام دارد اصح از این حدیث است و حکم، مطابق آن احادیث است».^۲ ابونعیم اصفهانی نیز حدیث را غریب می‌داند.^۳

دلیل احتمال دوم:

مسیح در لغت گر چه به معنای مسح شده است ولی این کلمه لقب کسی قرار گرفته که از جانب خداوند مسح شده و قابلیت برای نجات عالم را دارد، و مطابق روایات این قابلیت تنها برای حضرت مهدی علیه السلام است.

پاسخ:

اولاً: لقب دادن حضرت مهدی علیه السلام به «مسیح» به معنایی که ذکر شده گر چه امر معقولی است ولی در روایات به آن اشاره نشده است. ثانیاً: از مجموعه احادیث استفاده می‌شود که حضرت مسیح با تشریک مساعی با حضرت مهدی علیه السلام امر حکومت جهانی را به پیش خواهند برد.

ادله احتمال سوم:

از مجموعه قرائن و ادله به دست می‌آید که حکومت جهانی با رهبری حضرت مهدی علیه السلام و تشریک مساعی حضرت عیسی علیه السلام بر پا خواهد شد زیرا:

۱. المنار المنیف، ص ۱۲۹.

۲. التذکره، ج ۲، ص ۲۹۹.

۳. حلیة الاولیاء، ج ۹، ص ۱۶۱.

- ۱ - امام مهدی علیه السلام وارث طرح کامل حکومت عدل جهانی توحیدی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است.
- ۲ - در روایات اسلامی آمده است که حضرت عیسی از امامت جماعت بر مسلمین امتناع کرده و امام مهدی علیه السلام را به عنوان امامت معرفی می کند.
- ۳ - حکمت اقتضا می کند که رهبر حکومت جهانی از امت اسلام باشد.
- ۴ - در عبارات اناجیل آمده است که حضرت عیسی به کمک شخصی به نام «فرزند انسان» از آسمان فرود آمده و با مساعدت او این حکومت بر پا خواهد شد.

زندگی حضرت عیسی علیه السلام بعد از نزول

از برخی روایات استفاده می شود، حضرت عیسی بعد از نزول به زمین چهل سال عمر می کند و در این مدت ازدواج کرده، بعد از رحلت مسلمانان بر او نماز می گزارند:

- ۱ - ابوهریره در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «... او - مسیح - چهل سال در روی زمین مکث خواهد کرد و بعد از وفاتش مسلمانان بر او نماز می گزارند».^۱
- ۲ - عبدالله بن عمر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «عیسی بن مریم به زمین فرود می آید و ازدواج می کند و فرزندان می شود».^۲

۱. مسند احمد، ج ۲، ص ۴۰۶؛ سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۳۱۹.

۲. المنتظم، ج ۲، ص ۳۹.

اصحاب

امام مہدی علیہ السلام

عدد اصحاب خاص امام زمان علیه السلام

مطابق روایات مستفیض بلکه متواتر، عدد اصحاب امام زمان علیه السلام به تعداد لشکر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غزوه بدر ۳۱۳ نفر است.

قندوزی در تفسیر آیه ﴿وَلَيُنْ أَخْرُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾ از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده که فرمودند: «همانا امت معدوده ۳۱۳ نفر از اصحاب مهدی در آخرالزمان است همانند عدد اهل بدر، که در یک ساعت اجتماع می‌کنند...»^۱

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «پس اول کسی که از طرف خدا با او بیعت می‌کند جبرئیل است. و نیز از مردم ۳۱۳ نفر با او بیعت خواهند کرد...».

و نیز از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «قائم از ما با ترس یاری شده و با نصرت تأیید خواهد شد. تا آن که فرمود: پس هنگامی که خروج می‌کند بر کعبه تکیه می‌دهد. و ۳۱۳ نفر به دور او گرد آیند...»^۲

۱. ینابیع الموده، ص ۵۰۹، چاپ نجف. ۲. اعلام الوری، ص ۴۳۳.

اصحاب دیگر امام زمان علیه السلام

از روایات استفاده می‌شود که اصحاب امام زمان علیه السلام بعد از ظهور از ده هزار نفر کمتر نیست.

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «... هر گاه برای او حضرت مهدی علیه السلام - ده هزار مرد جمع شد، پس در روی زمین معبودی به جز خدا باقی نمی‌ماند...»^۱

در اینکه مقصود از این روایات و روایاتی که اصحاب حضرت را ۳۱۳ نفر معین کرده چیست چند احتمال است:

۱ - دو دسته کردن اصحاب حضرت به جهت اختلاف در درجات اخلاص آنها است، به این نحو که ۳۱۳ نفر از آنها در کمال درجه اخلاص اند، و بقیه تا ده هزار نفر یا ده هزار نفر دیگر در مرتبه‌ای پایین‌ترند.

۲ - اختلاف دو دسته در سرعت ملحق شدن آنها و رسیدن آنان به حضرت مهدی علیه السلام است، به این نحو که ۳۱۳ نفر از دیگران زودتر به حضرت ملحق می‌شوند.

۳ - اختلاف در سرعت ایمان و بیعت نمودن با حضرت است.

۴ - اختلاف در دفاع نمودن از حضرت باشد به این معنا که ۳۱۳ نفر اولین دسته‌ای است که حضرت را یاری خواهند نمود.

۵ - اختلاف به لحاظ وظایف و کارهایی است که به جهت اختلاف درجات اصحاب به آنها محوّل خواهد شد. مثلاً ۳۱۳ نفر از فرماندهان و رئیس‌انند، بر خلاف بقیه افراد.

چگونگی ورود اصحاب به مکه

در مورد این که اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در هنگام ظهور حضرت چگونه وارد مکه می شوند چند احتمال وجود دارد:

۱ - اینکه این جماعت به طور اعجاز و با سرعت وارد مکه می شوند. این احتمال مطابق ظاهر برخی روایات و صریح برخی روایات دیگر است. در برخی روایات آمده که آن ها در یک ساعت در جایی اجتماع می کنند: «يجتمعون والله في ساعة واحدة»^۱ ولی در برخی روایات تصریح به اعجازی بودن آن شده است.

در روایت ابن صباغ آمده است: «فیصیر إلیه أنصاره من أطراف الأرض تطوی لهم طياً حتی یبایعوه»؛ «پس انصار او از اطراف زمین به خدمت او می رسند در حالی که زمین برای آن ها می چرخد تا اینکه با او بیعت کنند.»
و در خبر طبرسی آمده است: «فتصیر شیعه من أطراف الأرض تطوی لهم طياً حتی یبایعوه»؛ «پس شیعیان از اطراف زمین خدمت او می رسند در حالی که زمین برای آن ها می چرخد، تا آن که با او بیعت کنند.»

۲ - احتمال دیگر اینکه مردم چند دسته شوند:

الف. برخی از راه طبیعی خدمت امام علیه السلام مشرف می شوند.

ب. برخی نیز شب هنگام که در رختخواب خود آرمیده اند ناگهان خود را در مکه می یابند.

ج. برخی نیز بر ابر سوار در روز به خدمت حضرت مشرف می شوند.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۸، باب ۲۶.

۳ - احتمال سوّم آن است که همگی با سفر عادی به خدمت حضرت مشرف می‌شوند؛ زیرا همان گونه که در روایات اشاره شده به اسم مهدی علیه السلام در ماه رمضان ندا داده می‌شود، و ظهور حضرت نیز در دهم محرم است. در فاصله این مدّت مخلصین، خود را به حضرت می‌رسانند.

از میان این احتمالات، احتمال سوّم ترجیح دارد؛ زیرا گرچه مطابق زمان صدور این روایات حرکت سریع به سوی مقصدی دور تنها با اعجاز متصور بوده، ولی در این عصر بلکه عصر ظهور، حرکت‌ها به حدّی سریع شده که اجتماع افرادی را از اطراف عالم در یک ساعت ممکن ساخته است. و لذا ممکن است که مقصود از سیر در سحاب و ابرها سفر با هواپیما، و پیچیده شدن زمین، سفر با ماشین و قطار سریع السیر باشد.

قومیت اصحاب امام زمان علیه السلام

مطابق روایات، اصحاب امام زمان علیه السلام از کشورها و شهرهای مختلف هستند که خدمت حضرت مشرف می‌شوند:

شیخ طوسی رحمته الله به سندش از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «بین رکن و مقام سیصد و چند نفر به تعداد اهل بدر با قائم بیعت خواهند کرد، در میان آن‌ها نجیبانی از اهل مصر، و شخصیت‌هایی از اهل شام، و اخیری از اهل عراق است...»^۱

و نیز از امام علی علیه السلام نقل کرده که فرمود: «درود بر طالقان، پس همانا برای

خداوند در آن گنج‌هایی است که از طلا و نقره نیست، و لکن در آن مردانی است که خداوند شناخت تمام به آنها دارد، و آنان یاوران مهدی آخرالزمان اند.^۱

و نیز ابن طاووس در کتاب «الملاحم و الفتن»^۲ اسامی بسیاری از اصحاب امام را با شهرهای آنان نقل کرده است.

عرب در میان اصحاب حضرت ﷺ

مرحوم مجلسی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «اتقِ العرب فإن لهم خبر سوء، أما أنه لم يخرج مع القائم منهم واحد»؛^۳ «از عرب بپرهیز، زیرا برای آنها خبر ناگواری است. آگاه باش که هیچ کس از عرب با قائم خروج نخواهد کرد.»

پاسخ:

- ۱ - مجلسی این روایت را از کتاب «الغیبة» شیخ طوسی نقل کرده است. ولی سند آن به جهت وجود موسی‌الآبار و اسباط بن سالم که مجهول الحالند و هیچ توثیقی ندارند، ضعیف است.
- ۲ - با اغماض از سند این روایت، معارض با احادیث دیگری است که دلالت دارد بر اینکه برخی از انصار و اصحاب امام زمان علیه السلام از عرب است.
- از جمله آن روایات اینکه شیخ طوسی به سندش از جابر جعفی از امام

۱. همان، ص ۱۶۱؛ البیان، گنجی شافعی، ص ۶۹؛ ینایع المودة، ص ۵۸۹.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۱۱۹. ۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «یبایع القائم بین الرکن والمقام ثلاثمائة ونيف عدة أهل بدر، فيهم النجباء من أهل مصر والأبدال من أهل الشام والأخيار من أهل العراق، فيقيم ما شاء الله أن يقيم»؛^۱ «بین رکن و مقام سیصد و اندی به عدد اهل بدر با قائم بیعت خواهند کرد، در میان آن ها نجیبانی از اهل مصر، و ابدالی از اهل شام، و اخیاری از اهل عراق وجود دارد، آن گاه دین را تا مقداری که خداوند بخواهد برپا خواهد داشت.»

وجود زن در میان اصحاب حضرت علیه السلام

از برخی روایات استفاده می شود که در میان اصحاب حضرت مهدی علیه السلام تعدادی زن نیز وجود دارد؛ نعمانی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «به خدا سوگند! سیصد و اندی خواهند آمد و پنجاه نفر زن نیز در میان آنان است».^۲ مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «همراه حضرت قائم سیزده زن هستند. عرض کردم: آنان چه می کنند و چه نقشی خواهند داشت؟ حضرت فرمود: «زخمی ها را مداوا می کنند و از بیماران پرستاری می نمایند، همچنان که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند...».^۳

زن از خواص یاران حضرت علیه السلام

مطابق برخی از روایات پنجاه نفری که از زنان در رکاب حضرت مهدی علیه السلام

۱. الغيبة، طوسی، ص ۲۸۴ : بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴.

۲. الغيبة، نعمانی، ص ۲۷۹.

۳. دلائل الامامة، ص ۲۵۹ : اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۵.

هستند از میان ۳۱۳ نفر یاران خاص حضرتند: جابر بن یزید جعفی ضمن حدیث مفصّلی از امام باقر علیه السلام در بیان برخی نشانه‌های ظهور نقل کرده که فرمود: «ویجیء والله ثلاثمائة وبضعة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمکة...»^۱ «به خدا سوگند! سیصد و بالاتر از ده نفر می‌آیند که پنجاه نفر از این عده زن هستند و در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد...».

از کلمه «فیهم» که در روایت آمده استفاده می‌شود که این پنجاه زن از جمله ۳۱۳ نفرند. و تعبیر به «رجلاً» به جهت تغلیب است. همان گونه که در آیه تطهیر ضمیر «کم» که برای جمع مخاطب مذکر است به کار رفته و به طور حتم حضرت زهرا علیها السلام نیز مشمول آیه است و اگر مقصود امام علیه السلام از وجود آن پنجاه زن، همراهی آنان با آن ۳۱۳ نفر بود باید از تعبیر «معهم» استفاده می‌کرد، نه «فیهم».

و اگر اشکال شود که: پس چرا اسامی این پنجاه نفر در بین نام ۳۱۳ نفر نیامده است؟ در جواب گوییم: با مراجعه به روایاتی که اسامی یاران خاص حضرت را ذکر کرده‌اند پی می‌بریم که نام همه ۳۱۳ نفر نیامده است و لذا ممکن است بقیه آنان از زنان باشند که به جهت خاصی نام آنان برده نشده است.

چگونه از یاران حضرت باشیم

گاهی سؤال می‌شود که اگر مطابق روایات، اسامی اصحاب خاص حضرت و شهرهای آنان مشخص شده است، انسان از اینکه بتواند جهاد نفسانی کند تا به این درجه برسد که از اصحاب خاص حضرت شود مأیوس می‌گردد.

۱. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵؛ معجم الإمام مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۵۰۰.

پاسخ:

۱ - روایاتی که تعداد اصحاب حضرت را مشخص کرده گرچه مستفیض است ولی روایتی که اسامی و شهرهای آنها را نقل کرده ضعیف‌السند است و لذا قابل اثبات نیست.

۲ - مطابق روایت ابن طاووس، اسامی همه ۳۱۳ نفر نیامده است، بلکه حدود ۲۴۰ نفر از آنها را نام برده است. و لذا احتمال داده می‌شود که انسان در بین نفرات دیگر باشد.

کیفیت بیعت با حضرت علیه السلام

در برخی روایات فریقین اشاره شده که حضرت با اکراه با مردم بیعت می‌کند و یا اینکه مردم با اکراه با او بیعت می‌کنند.

قتاده از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «مهدی از مدینه به سوی مکه خروج می‌کند، مردم از او می‌خواهند که از بینشان خروج کند، پس با او بین رکن و مقام در حالی که کراهت دارد بیعت می‌کنند...»^۱

زراره از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «به اسم قائم ندا داده می‌شود، پس او می‌آید و پشت مقام قرار می‌گیرد. به او گفته می‌شود: به تحقیق به اسم تو ندا داده می‌شود، منتظر چه چیزی هستی؟ دست او گرفته شده، با او بیعت می‌شود. زراره می‌گوید: الحمد لله، ما می‌شنیدیم که قائم علیه السلام با کراهت بیعت می‌کند (می‌شود) و وجه استکراه او را نمی‌دانستیم، ولی دانستیم این استکراهی است که گناهی در آن نیست»^۲.

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۲. ۲. الغیبة، نعمانی، ص ۱۴۰.

ممکن است مقصود به استکراهی که حضرت نسبت به بیعت مردم دارند این باشد که از آنجا که مظلومان از آن حضرت تقاضای رفع ظلم می‌کنند لذا حضرت از روی تواضع در ابتدا استکراهی از خود نشان می‌دهند. خصوصاً آن‌که این کار باید به اذن و اراده و مشیت خداوند صورت پذیرد.

افراد بیعت کننده

کسانی که با حضرت بیعت خواهند کرد به ترتیب عبارت‌اند از:

- (۱) جبرئیل امین علیه السلام.
- (۲) اصحاب خاص حضرت.
- (۳) اصحاب عام حضرت.
- (۴) کسانی که در مکه حاضر بوده و به او و دعوتش اعتماد و اطمینان پیدا می‌کنند.

اصولی که بر آن پیمان می‌بندد

از برنامه‌ها و روش‌های امام مهدی علیه السلام پیمان‌گیری از یاران خویش است. پیمان و بیعت در جامعه اسلامی از آغاز تشکیل حاکمیت اسلام رسم شده، و پایه‌گذاری نخستین مرکزیت و حکومت اسلامی به دست مبارک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با آیین بیعت و پیمان گرفتن از یکایک مردم همراه بود. امام مهدی علیه السلام نیز چون نیاکان خویش از یارانش بیعت می‌گیرد و با آنان پیمان می‌بندد. پیمان امام بر سر اصولی است که راه و رسم و شیوه و روش امام را در حکومت تبیین می‌کند.

امام علی علیه السلام می فرماید: «همانا قائم با یارانش پیمان می بندد و از آنان بیعت می گیرد که: مسلمانی را دشنام ندهند... حریمی را هتک نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره گنج نکنند، همچنین گندم و جو اندوخته نسازند. مال یتیمان را نخورند... لباس خَز و حریر نپوشند. کمر بند زرّین نبندند... در امور معاش به اندک بسنده کنند... لباس درشت بپوشند و صورت بر خاک بگذارند... و در راه خدا به جهادی شایسته دست یازند. خود (امام) نیز متعهد می شود که از همان راهی که آنان می روند برود، و چون آنان لباس بپوشد، و بر مرکوبی مانند مرکوب آنان سوار شود و چنان باشد که آنان هستند. به اندک بسنده کند، و زمین را با یاری خدای دادگری پر کند پس از آن که از ستم پر شده باشد... و صاحب و درباری نگمارد»^۱.

شجاعت اصحاب حضرت علیه السلام

حاکم نیشابوری به سندش از محمد بن حنفیه نقل می کند که گفت: ما نزد علی علیه السلام بودیم که شخصی از او درباره حضرت مهدی علیه السلام سؤال کرد؟ حضرت فرمود: «... یخرج فی آخر الزمان، إذا قال الرجل: الله الله قتل، فیجمع الله تعالی له قوماً قزع کقزع السحاب، یؤلف الله بین قلوبهم لا یستوحشون إلی أحد ولا یفرحون بأحد یدخل فیهم...»^۲ «او در آخر الزمان خروج خواهد کرد، هنگامی که شخصی اعلان کند: خدا را خدا را! کشته شود. در آن هنگام خداوند برای او گروهی را جمع می کند که همانند ابرهای پراکنده متفرّق اند، قلب‌های آن‌ها را هماهنگ می نماید. از کسی احساس وحشت نکرده و به کسی که داخل در جماعت آن‌ها شود شاد نمی گردد...».

۲. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۴.

۱. منتخب الأثر، ص ۴۶۹.

اصحاب حضرت از همه جا

مطابق برخی از روایات، اصحاب حضرت از منطقه خاصی نیستند بلکه در سرتاسر دنیا به سر می‌برند و خداوند متعال در وقتی بسیار اندک آن‌ها را کنار بیت الله الحرام جمع خواهد کرد.

سید بن طاووس در حدیثی از امام علی علیه السلام درباره اصحاب امام زمان علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «آن‌ها ۳۱۳ نفرند به عدد اصحاب بدر، خداوند آن‌ها را از شرق و غرب عالم در کنار بیت الله الحرام جمع خواهد کرد...»^۱

ویژگی‌های اصحاب حضرت مهدی علیه السلام

مطابق برخی از روایات، اصحاب حضرت علیه السلام از صفات و ویژگی‌هایی برخوردارند از قبیل:

۱ - اخلاص

در روایتی امام جواد علیه السلام به عبدالعظیم حسنی علیه السلام فرمود: «... و هنگامی که برای او این تعداد «۳۱۳ نفر» از اهل اخلاص جمع شد خداوند امر او را ظاهر خواهد کرد...»^۲

۲ - یقین و استقامت

از امام صادق علیه السلام در حدیثی نقل شده که فرمود: «... گویا قلب‌های آن‌ها به مانند تگه‌های آهن است، شکی در قلوب آن‌ها راجع به خدا وجود ندارد. محکم‌تر از سنگ است...»^۳

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷ و ۳۷۸.

۱. التشریف بالمنن، ص ۲۸۸-۲۹۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

۳ - خدشناس واقعی

از امام علی علیه السلام در ضمن حدیثی نقل است که فرمود: «... ولکن در طالقان مردمانی مؤمن خواهند آمد که به خداوند معرفت واقعی دارند و آنان انصار مهدی در آخرالزمان می باشند»^۱.

۴ - شیران روز و زاهدان شب

از امام صادق علیه السلام در حدیثی راجع به اصحاب قائم علیه السلام نقل است که فرمود: «گویا من نظر می کنم به قائم و اصحاب او در نجف کوفه... سجده ها به پیشانی های آن ها اثر گذارده است، شیران در روز و راهبان در شب اند...»^۲.

۵ - برخورداری از تأیید الهی

طبرسی در روایتی از امام علی علیه السلام نقل کرده که فرمود: «تا اینکه خداوند مردی را در آخرالزمان برمی انگیزاند... او را به ملائکه اش تأیید کرده و انصارش را حفظ خواهد نمود»^۳.

تسخیر جهان با افرادی اندک

در مورد این موضوع می گوئیم:

اولاً: مطابق برخی از روایات، حضرت دو نوع یار و یاور دارند: یکی یاران خاص الخاص که ۳۱۳ نفرند و دیگری یاران خاص که ده هزار نفر می باشند. این افراد انسان های عادی به حساب نمی آیند، بلکه کسانی هستند که قلب هایشان در راستای اهداف حضرت مهدی علیه السلام محکم بوده، راسخ قدم می باشند.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

۱. همان، ج ۵۱، ص ۸۷، ح ۸۳.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ح ۶.

ثانیاً: غلبه حضرت با یارانش و برپایی حکومت عدل جهانی تنها از طریق امور عادی نیست تا بعید به نظر برسد، بلکه همان گونه که قبلاً اشاره شد با تأییداتی از جانب خداوند، از قبیل ایجاد رعب در قلوب دشمنان حضرت علیه السلام و تأییداتی از ملائکه خواهد بود.

ثالثاً: اراده حتمی خداوند بر پیروزی حضرت تعلق گرفته است، و اراده او به هر نحو ممکن محقق خواهد شد.

لذا در قرآن کریم می خوانیم: ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^۱ «چه بسیارند گروه اندکی که به اذن خداوند، بر گروه بسیاری چیرگی می یابند.»

رابعاً: از لحاظ اسباب و علل ظاهری هم اگر موضوع را بررسی کنیم، حصول چنین فتح و غلبه و تشکیل حکومت الهی، ممکن و عملی خواهد بود، زیرا حضرت در موقعی ظهور خواهد کرد که اوضاع و احوال اجتماعی و اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد باشد. نظیر رشد و توسعه سریع اسلام در قرن اول است، زیرا در آن عصر، فساد اوضاع اجتماعی و اداری کشورها به حدی بود که مردم آمادگی پذیرش حکومت اسلامی را داشتند. این وضعیت در عصر ظهور حضرت نیز وجود دارد.

وزیران دولت حضرت مهدی علیه السلام

مطابق برخی از روایات، وزیران دولت حضرت مهدی علیه السلام از قشر جوان هستند، گرچه تعداد خیلی از پیرمردان نیز در میان آنها وجود دارد.

ابویحیی حکیم بن سعید می‌گوید: از علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كَهُولَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكَحْلِ فِي الْعَيْنِ، أَوْ كَالْمَلْحِ فِي الزَّادِ وَأَقْلُ الزَّادِ الْمَلْحُ»؛^۱ «همانا اصحاب قائم جوان‌اند و هرگز در میان آن‌ها پیرمرد وجود ندارد مگر به مانند سرمه در چشم، یا همانند نمک در توشه، و کمترین توشه نمک است.»

یارانی از مشرق زمین

گفته شده: چگونه با پیشرفت شرقی‌ها می‌توان بر غرب مقتدر پیروز شد؟ در جواب می‌گوییم:

اولاً: از طرفی یاران حضرت باید از افراد مسلمان باشند و از طرف دیگر عمده ممالک و زیست‌گاه امت اسلامی در شرق است لذا بیشتر یاران حضرت از شرق هستند.

ثانیاً: حضرت مهدی علیه السلام از همه نوع پیشرفتی برای رفاه و تکامل انسان‌ها استفاده خواهد کرد ولی نه به دید استقلالی، بلکه از دنیا برای رسیدن به تعالی روحی بهره خواهد گرفت.

ثالثاً: مقصود از عقب افتادگی شرق نسبت به غرب چیست؟ اگر در تکنیک و مسائل دنیوی است که هدف اصلی حضرت تنها تکامل مادی نیست. و اگر مقصود عقب افتادگی شرق در ناحیه عقل و فکر و شعور و پیشرفت فرهنگی است که این مطلب را ما قبول نداریم. چه کسی گفته است که غرب به لحاظ اخلاقی و فرهنگی بر شرق پیشی گرفته است.

۱. الغیبة، طوسی، ص ۲۸۴؛ الغیبة، نعمانی، ص ۳۱۵.

کارگزاران دولت حضرت مهدی علیه السلام

در حکومتی که رهبری آن به عهده حضرت مهدی علیه السلام است، کارگزاران و مسؤولان حکومت او نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند. از این رو در روایات، ترکیب دولت حضرت مهدی علیه السلام را از پیامبران، جانشینان آنان، تقوای پیشگان و صالحان روزگار معرفی می‌کند.

در روایتی می‌خوانیم که حضرت عیسی علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام می‌گوید: «همانا من به عنوان وزیر فرستاده شده‌ام نه امیر و فرمانروا».^۱

همچنین در روایتی آمده است که حضرت عیسی علیه السلام وزیر حضرت قائم علیه السلام و پرده‌دار و جانشین آن حضرت است.^۲

و نیز در روایتی دیگر آمده است: «... آن گاه عیسی فرود می‌آید و مسؤل دریافت اموال حضرت قائم علیه السلام می‌شود و اصحاب کهف نیز در پشت سر او خواهند بود».^۳

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «... سپاهیان در پیشاپیش حضرت مهدی علیه السلام قرار می‌گیرند و قبیله همدان وزیران او خواهند بود».^۴

و نیز در روایتی می‌خوانیم: «مردان الهی با مهدی علیه السلام همراه هستند، مردانی که به دعوت او پاسخ گفته‌اند و او را یاری می‌کنند. آنان وزیران و دولت‌مردان اویند که بار سنگین مسئولیت‌های حکومت را بر دوش دارند».^۵

۱. ملاحم، ابن طاووس، ص ۸۳؛ الفتن، ابن حماد، ص ۱۶۰.

۲. غایة المرام، ص ۶۹۷؛ حلیة الابرار، ج ۲، ص ۶۲۰.

۳. همان، ص ۹۷.

۴. عقد الدرر، ص ۹۷.

۵. وافی، ج ۲، ص ۱۱۴. به نقل از فتوحات مکیه؛ نورالابصار، ص ۱۸۷.

عدم تحقق شرایط ظهور

گاهی گفته می‌شود: آیا در میان این همه مسلمان و شیعه ۳۱۳ نفر یار و یاور برای حضرت وجود ندارد تا ظهور کند؟

در پاسخ این سؤال می‌گوییم:

اولاً: در روایات مختلف برای یاران و اصحاب خاص حضرت مهدی علیه السلام صفات و خصوصیات ویژه‌ای ذکر شده که باید در ۳۱۳ نفر موجود باشد، و ما به برخی از آن صفات قبلاً اشاره کردیم.

ثانیاً: همان گونه که در جای خود اشاره کرده‌ایم، از مجموعه احادیث استفاده می‌شود که حضرت دو دسته یار و یاور بعد از ظهور دارند: یکی یاوران خاص که ۳۱۳ نفرند و دسته دیگر یاوران عام که ده هزار نفرند و باید این تعداد جمعیت نیز آماده شود.

ثالثاً: فراهم شدن ۳۱۳ نفر از یاران خاص حضرت علت تامه برای ظهور حضرت نیست، بلکه یکی از شرایط تحقق ظهور است، حضرت با کمک این تعداد افراد حکومت عدل گستر جهانی را پیاده خواهد کرد، اما اینکه آیا فراهم شدن این تعداد نفر علت تامه ظهور است؟ خیر، بلکه علل و عوامل و شرایط دیگری از جمله فراهم شدن زمینه لازم و مساعد برای حکومت حضرت نیز لازم است.

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- | | |
|---------------------------------|-----------------------------------------------------|
| خط نیریزی / الهی قمشهای | ۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی |
| خط نیریزی / الهی قمشهای | ۲ قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) |
| خط عثمان طه / الهی قمشهای | ۳ قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی) |
| خط عثمان طه / الهی قمشهای | ۴ قرآن کریم / وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) |
| خط عثمان طه | ۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) |
| ویرایش حسین وزیری / الهی قمشهای | ۶ صحیفه سجاده |
| انتشارات مسجد مقدّس جمکران | ۷ کلیات مفاتیح الجنان / عربی |
| خط افشاری / الهی قمشهای | ۸ کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) |
| خط افشاری / الهی قمشهای | ۹ منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی) |
| خط خاتمی / الهی قمشهای | ۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی |
| واحد تحقیقات | ۱۱ ارتباط با خدا |
| سید حمید رضا موسوی | ۱۲ آشنایی با چهارده معصوم (۱ و ۲) / شعر و رنگ آمیزی |
| حسین کریمی قمی | ۱۳ آئینه اسرار |
| محمود ترحمی | ۱۴ آخرین پناه |
| واحد تحقیقات | ۱۵ آخرین خورشید پیدا |
| محمد حسن سیف الهی | ۱۶ آقا شیخ مرتضی زاهد |
| واحد پژوهش | ۱۷ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) |
| واحد تحقیقات | ۱۸ از زلال ولایت |
| علی اصغر رضوانی | ۱۹ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات |
| واحد پژوهش | ۲۰ امامت، غیبت، ظهور |
| علم الهدی / واحد تحقیقات | ۲۱ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام |
| سهراب علوی | ۲۲ امام رضا (ع) در رزمگاه ادیان |
| علی اصغر رضوانی | ۲۳ امام شناسی و پاسخ به شبهات |
| واحد تحقیقات | ۲۴ انتظار بهار و باران |
| عزیز الله حیدری | ۲۵ انتظار و انسان معاصر |
| محمد محمدی اشتهاردی | ۲۶ اهمیت اذان و اقامه |
| حسین ایرانی | ۲۷ با اولین امام در آخرین پیام |
| محمد جواد مروّجی طبسی | ۲۸ بامداد بشریت |
| شمسی (فاطمه) وفائی | ۲۹ بهتر از بهار / کودک |
| محمد محمدی اشتهاردی | ۳۰ پرچمدار نینوا |
| محمد رضا اکبری | ۳۱ پرچم هدایت |
| شیخ عباس صفایی حائری | ۳۲ تاریخ امیر المؤمنین (ع) / دو جلد |

- ۳۳ تاریخ پیامبر اسلام ﷺ / دو جلد
 ۳۴ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی)
 ۳۵ تاریخ سید الشهداء ﷺ
 ۳۶ تجلیگاه صاحب الزمان ﷺ
 ۳۷ جلوه‌های پنهانی امام عصر ﷺ
 ۳۸ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی ﷺ
 ۳۹ چهل حدیث / امام مهدی ﷺ در کلام امام علی ﷺ
 ۴۰ حضرت مهدی ﷺ فروغ تابان ولایت
 ۴۱ حکمت‌های جاوید
 ۴۲ ختم سوره‌های یس و واقعه
 ۴۳ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)
 ۴۴ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)
 ۴۵ خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)
 ۴۶ دار السلام
 ۴۷ داستان‌هایی از امام زمان ﷺ
 ۴۸ داغ شقایق (مجموعه اشعار)
 ۴۹ در جستجوی نور
 ۵۰ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم)
 ۵۱ دلشده در حسرت دیدار دوست
 ۵۲ دین و آزادی
 ۵۳ رجعت
 ۵۴ رسول ترک
 ۵۵ روزنه‌هایی از عالم غیب
 ۵۶ زیارت ناحیه مقدسه
 ۵۷ سحاب رحمت
 ۵۸ سرود سرخ انار
 ۵۹ سقا خود تشنه دیدار
 ۶۰ سلفی‌گری (وهایت) و پاسخ به شبهات
 ۶۱ سیاحت غرب
 ۶۲ سیمای امام مهدی ﷺ در شعر عربی
 ۶۳ سیمای مهدی موعود ﷺ در آئینه شعر فارسی
 ۶۴ شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالعه)
 ۶۵ شمس وراء السحاب / عربی
- شیخ عباس صفایی حائری
 واحد تحقیقات
 شیخ عباس صفایی حائری
 سید جعفر میرعظیمی
 حسین علی‌پور
 حسین گنجی
 سید صادق سیدنژاد
 محمد محمدی اشتهاردی
 محمد حسین فهیم‌نیا
 واحد پژوهش
 عباس حسینی جوهری
 رضا استادی
 محمد علی مجاهدی (پروانه)
 شیخ محمود عراقی میثمی
 حسن ارشاد
 علی مهدوی
 صافی، سبحانی، کورانی
 شیخ عباس قمی / کمره‌ای
 زهرا قزلقاشی
 محمد حسین فهیم‌نیا
 احمد علی طاهری ورسی
 محمد حسن سیف‌اللهی
 سید محسن خرازی
 واحد تحقیقات
 عباس اسماعیلی یزدی
 الهه بهشتی
 طهورا حیدری
 علی اصغر رضوانی
 آقا نجفی قوچانی
 دکتر عبد‌اللهی
 محمد علی مجاهدی (پروانه)
 محمد حسین نائیجی
 السید جمال محمد صالح

- ۶۶ ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۶۷ عاشورا تجلی دوستی و دشمنی
- ۶۸ عریضه نویسی
- ۶۹ عطر سبب
- ۷۰ عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی
- ۷۱ علی علیه السلام مروارید ولایت
- ۷۲ علی علیه السلام و پایان تاریخ
- ۷۳ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات
- ۷۴ غدیرخم (روسی، آذری لاتین)
- ۷۵ فتنه و هابیت
- ۷۶ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام
- ۷۷ فروغ تابان ولایت
- ۷۸ فرهنگ اخلاق
- ۷۹ فرهنگ تربیت
- ۸۰ فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (بخش)
- ۸۱ فوز اکبر
- ۸۲ کرامات المهدی علیه السلام
- ۸۳ کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام
- ۸۴ کمال الدین و تمام النعمة (دو جلد)
- ۸۵ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)
- ۸۶ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)
- ۸۷ گفتمان مهدویت
- ۸۸ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات
- ۸۹ مشکاة الانوار
- ۹۰ مفرد مذکر غائب
- ۹۱ مکیال المکارم (دو جلد)
- ۹۲ منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ
- ۹۳ منجی موعود از منظر نهج البلاغه
- ۹۴ منشور نینوا
- ۹۵ موعودشناسی و پاسخ به شبهات
- ۹۶ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات
- ۹۷ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی
- ۹۸ مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد
- سید اسد الله هاشمی شهیدی
- سید خلیل حسینی
- سید صادق سیدنژاد
- حامد حجتی
- المقدس الشافعی
- واحد تحقیقات
- سید مجید فلسفیان
- علی اصغر رضوانی
- علی اصغر رضوانی
- علی اصغر رضوانی
- سید محمد واحدی
- علی اصغر رضوانی
- عباس اسماعیلی یزدی
- عباس اسماعیلی یزدی
- حسن صدری
- محمد باقر فقیه ایمانی
- واحد تحقیقات
- واحد تحقیقات
- شیخ صدوق علیه السلام / منصور پهلوان
- حسن بیاتانی
- علی اصغر یونسیان (ملنجی)
- آیت الله صافی گلپایگانی
- مرحوم حسینی اردکانی
- علامه مجلسی علیه السلام
- علی مؤذنی
- موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- شیخ عباس قمی علیه السلام
- حسین ایرانی
- مجید حیدری فر
- علی اصغر رضوانی
- عزیز الله حیدری
- العمیدی / محبوب القلوب
- علامه مجلسی علیه السلام / ارومیه‌ای

محمد حسن شاه آبادی	۹۹ مهر بیکران
حسن محمودی	۱۰۰ مهربان تر از مادر / نوجوان
سید مهدی حائری قزوینی	۱۰۱ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس)
واحد تحقیقات	۱۰۲ ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا)
میرزا حسین نوری	۱۰۳ نجم الثاقب
میرزا حسین نوری	۱۰۴ نجم الثاقب (دوجلدی)
محمد خادمی شیرازی	۱۰۵ نشانه‌های ظهور او
مهدی علیزاده	۱۰۶ نشانه‌های یار و چکامه انتظار
بنیاد غدیر	۱۰۷ ندای ولایت
واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران	۱۰۸ نماز شب
سید رضی / محمد دشتی	۱۰۹ نهج البلاغه / (وزیری، جیبی)
محمد رضا اکبری	۱۱۰ نهج الکرامه گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین
الهه بهشتی	۱۱۱ و آن که دیرتر آمد
علی اصغر رضوانی	۱۱۲ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات
واحد تحقیقات	۱۱۳ وظایف منتظران
سید نورالدین جزائری	۱۱۴ ویژگی‌های حضرت زینب
میرزا احمد آشتیانی	۱۱۵ هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی)
مهدی فتلاوی / بیژن کرمی	۱۱۶ همراه با مهدی منتظر
محمد خادمی شیرازی	۱۱۷ یاد مهدی
محمد حجّتی	۱۱۸ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)
عباس اسماعیلی یزدی	۱۱۹ ینابیع الحکمة / عربی - پنج جلد

جهت تهیه و خرید کتاب‌های فوق، می‌توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰، ۰۲۵۱ - تماس حاصل نمایید.
کتاب‌های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می‌گردد.

سایر نمایندگی‌های فروش:

تهران: ۰۲۱ - ۶۶۹۲۸۶۸۷، ۶۶۹۳۹۰۸۳
یزد: ۰۳۵۱ - ۶۲۸۰۶۷۱ - ۲، ۶۲۴۶۴۸۹
فریدونکار: ۰۱۲۲ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۱۴